

دانشگاه مستقل

فصلنامه / بهار ۱۳۹۹ ■ شماره هفتم ■ قیمت ۱۰۰۰ تومان

تحلیلی بر سه گانه واقعیت‌های جهش تولید کرونا و تحریم

کرونا در کابرد اقتصاد پیشنهاداتی برای درمان

به فکر باشیم

فصلنامه دانشجویان مستقل در پرونده‌ای به بررسی

آثار و پیامدهای اقتصادی کرونا و راهکارهای پیشنهادی پرداخته است

سر مقاله

اقتصاد کشور در برابر بحران‌های فردا نیز واکنش خواهد شد. همانگونه که در ضرب المثلی آمده است: «التجربة فوق العلم»، بی‌شک در بحران‌های فردا، تجربه به دست آمده از بحران امروز برتر از دانش آن روز خواهد بود. فراموش نکنیم که رسالت دانشجو و آنکه اصالت دانشجویی خود را حفظ نموده است، اول هر چیز دیگری تفکر است و جنبش دانشجویی به عنوان قوه چهارم این مملکت، وظیفه یافتن راه حل مسائل ملی را بر عهده دارد؛ به قول امام خمینی (ره): «دانشگاهی، دانشجو، چه دانشجوی قدیمی، چه دانشجوی جدید، همه مسائل توی دست اینها باید حل بشود؛ اینها قوه متفکره یک ملت هستند». آنچه که در ادامه میخوانید، در ابتدا تحلیل دو فعال سابق دانشجویی و در ادامه چهار متن گفتگوی صورت گرفته شده است، متن کامل دوازدهم برنامه اجرا شده در پایگاه اطلاع رسانی خبرنامه دانشجویان ایران موجود است

دیدگاه‌ها و راهکارهای خود جهت کنترل وضعیت بحرانی اقتصاد کشور پرداختند. اما دغدغه «به فکر باشیم» چیزی فراتر از موارد فوق است! به فکر باشیم، هم خطابش رو به مسئولین است و هم مردم. بی‌شک حل چنین بحرانی بدون همدلی و همصدایی و همدستی امکان پذیر نیست. اگر به فکر باشیم، کسب و کارهای تعطیل شده راهی برای برون رفت از رکود شغلی خود پیدا خواهند کرد؛ اگر به فکر باشیم، مسئولین با اهتمام و کوشش بیشتری به فکر مدیریت چنین وضعیتی خواهند بود؛ اگر به فکر باشیم، پدرهای کمتری یادست خالی به خانه بازخواهند گشت و خانواده‌های کمتری شب گرسنه سر بر بالین خواهند گذاشت. این خلاصه داستان «به فکر باشیم» بود، اما امروز که با یاری پروردگار این بحران را پشت سرخواهیم گذاشت، باید خود را برای بحران‌های فردا نیز آماده کنیم که اگر این گونه باشد، ضمن عبور سربلند از بحران امروز،

«اقتصاد کرونایی» جنبش دانشجویی را بر آن داشت تا حرکتی را تحت عنوان پویش «به فکر باشیم» برنامه‌ریزی و اجرا نماید، به امید آنکه راهگشای برخی معضلات اقتصادی کشور در این شرایط خاص و بحرانی باشد. پویش به فکر باشیم با تمرکز بر جمع‌آوری ایده‌ها و راهکارهای مردمی و کارشناسی آغاز به کار نمود. برای جمع‌آوری ایده‌های مردمی، مسابقه ایده‌پردازی به فکر باشیم طراحی و بیش از دویست ایده مردمی جهت ارزیابی به دبیرخانه پویش ارسال شد؛ ایده‌هایی که پس از ارزیابی نهایی برای عملیاتی شدن در اختیار نهادهای مربوطه قرار خواهد گرفت. جمع‌آوری ایده‌های کارشناسی نیز بعد دیگری از این پویش بود که پس از بررسی راه‌های موجود، سلسله برنامه‌های گفت و گوی زنده اینستاگرامی با حضور اساتید و پژوهشگران جوان و نخبه اقتصاد کشور، برنامه‌ریزی و اجرا شد. در جریان این گفت و گو‌ها، دوازده تن از کارشناسان اقتصادی به بیان

محمد قدیمی

دبیر اجرایی پویش به فکر باشیم

ورود ویروس منحوس کرونا به کشور شک بزرگی را به اقتصاد ایران وارد نمود. تعطیلی بسیاری از کسب و کارهای کوچک و بزرگ و به دنبال آن مختل شدن فرآیند خدمت‌رسانی عمومی و تامین ما یحتاج روزمره مردم موجب شد تا کشور، با چالش بزرگی اقتصادی مواجه شود، چالشی که در چنین شرایط بحرانی گریزی از آن نیست و در این میان اصلی‌ترین وظیفه حاکمیت، کنترل وضعیت بحرانی به سمت ایده‌آل اقتضایی خواهد بود. در چنین وضعیتی خلا وجود ساز و کاری مناسب جهت ساماندهی راهکارهای موجود برای مدیریت هرچه بهتر

مسعود براتی

مدیر گروه دیپلماسی اقتصادی مجموعه آیتان

کرونا و توسعه اقتصاد دیجیتال



مهدی موحیدی بک نظر

کارشناس مدل‌های اقتصادی بومی

چند اصلاح بنیادین برای برون رفت از اقتصاد کرونایی



روح الله ایزدخواه

منتخب مردم تهران در یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

افزایش اختیارات نهادهای مردمی برای مبارزه با کرونا



دکتر حجت الله عبدالملکی

عضو هیات علمی دانشگاه امام صادق (ع)

نسخه‌ای برای جان گرفتن کسب و کارها





طبیعاً وقتی خانوارها درآمد نداشته باشند، نمی‌توانند خرید هم انجام بدهند. بنابراین میزان فروش بنگاه‌ها نیز کاهش می‌یابد. علاوه بر کاهش میزان فروش، این آسیب برای بنگاه‌ها یکسان نیست و ترکیب تقاضا نیز دستخوش تغییراتی شده است. بخش‌هایی مانند سینما، حمل‌ونقل و ... بیشتر آسیب دیدند، عمدتاً فروشی و خردفروشی و ... کمتر آسیب دیدند و بخش‌هایی نظیر داروخانه‌ها، تولیدکننده‌های مواد شوینده و بهداشتی و ... نیز با افزایش تقاضا و فروش مواجه شدند. برآوردهای اتاق اصناف ایران نشان می‌دهد که ضرر اصناف در شرایط کرونایی، ماهیانه ۲۵ هزار میلیارد تومان است.

با شیوع ویروس کرونا، تقاضا برای نفت در بازار جهانی کاهش پیدا کرد، قیمت هر بشکه نیز کاهش یافت و بالتبع، درآمدهای نفتی کشور پایین آمد. همچنین با خراب شدن اوضاع تولیدی‌ها و کسب‌وکارها پیش‌بینی می‌شود دولت از ناحیه‌ای کاهش درآمدهای مالیاتی نیز با کاهش درآمدها مواجه باشد. محاسبات نشان می‌دهند تقریباً بیش از یک‌سوم بودجه‌ی سال ۱۳۹۹، کسری است و باید به گونه‌ای جبران شود. اگر چه کرونا از این سه طریق (یعنی خانوارها، بنگاه‌ها و بودجه‌ی دولت) به اقتصاد ایران آسیب می‌رساند، ولی باید در نظر داشت که ابعاد آسیب‌پذیری ایران از این ویروس، کمتر از آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی است. چرا که اولاً پیش‌تر تحریم‌ها باعث شده بود ارتباط ما با سایر کشورها کمتر شود.

بنابراین، شوک نفتی و کاهش ارتباطات تجاری به ما آسیب کمتری می‌رساند و بخش‌های تولیدی ایران در اثر تحریم‌ها آموخته‌اند که چطور نیازهای خود را از داخل تامین کنند و بنگاه را سر پا نگاه‌دارند. در ثانی نسبت افراد شاغل به جمعیت فعال در ایران (بر اساس آمار زمستان ۹۸)، ۲۷٫۷٪ است. پایین بودن این نسبت باعث شده تا در اثر قرنطینه‌ی خانگی، به نسبت بسیاری از کشورها درصد کمتری از فعالان بازار کار از فعالیت دست بردارند. خصوصاً که بر اساس اظهارات وزیر بهداشت، سیاست دولت این است که کسب‌وکارها راه بیفتند و اگر احیاناً آمارها حاکی از رشد مجدد ابتلاها بود، طرح فاصله‌گذاری اجتماعی مجدداً اجرا شود.

راه‌های پیش‌روی سیاست‌گذار

سیاست‌گذار در شرایط پیش از کرونا، خود با کسری بودجه مواجه بود؛ نگارنده پیش از اینکه کرونا به ایران بیاید و مستقیماً اقتصاد ایران را نیز درگیر کند؛ بر اساس محاسباتی (با احتساب کاهش قیمت نفت در اثر کاهش تقاضای جهانی)، کسری پنهان بودجه‌ی ۱۳۹۹ را ۱۷۴ هزار میلیارد تومان برآورد کرده بود. اکنون که هزینه‌های بهداشتی و همچنین هزینه‌های کمک معیشتی نیز اضافه شدند، طبعاً با تنگانی بیشتری از این ناحیه مواجه هستیم. تا پیش از بحران کرونا، صرفاً تأکید بر افزایش درآمدهای دولت از طریق مالیات، مولدسازی دارایی‌های دولت و انتشار اوراق بود. اکنون اما باید در نظر داشت که در بخش مالیاتی، حتماً تأکید بر پایه‌های مالیاتی جدید باشد و افزایش میزان مالیات‌ها، از طریق مالیات بر سوداگری و همچنین اخذ مالیات از بخش‌هایی که در شرایط خاص کنونی، تقاضا برایشان بیشتر شد، تامین گردد. بدیهی است که نباید به تولیدی‌هایی که خود با مشکلاتی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، فشار آورد. همچنین، به دلیل تشدید کسری بودجه، اهمیت استفاده از همه‌ی ابزارهای در دسترس برای تامین مالی دولت (از جمله انتشار اوراق) بیش از پیش حس می‌شود.

در بخش تقاضا نیز برای تحریک تقاضا باید به خانوارهایی که آسیب‌پذیرتر هستند، دولت باید حمایت‌هایی در نظر بگیرد. اما با توجه به ناکافی بودن درآمدهای دولت، لازم است حمایت‌ها هوشمندتر شوند. به طور مثال در وام قرض‌الحسنه‌ی ۱ میلیون تومانی اخیر، دولت به ۲۲٫۵ میلیون خانوار وام می‌دهد. این در حالی است که بخشی از این خانوارها، کارمندان دولت هستند و همین چندی پیش بر اساس امتیازات فصل ده قانون مدیریت خدمات کشوری، ۵۰٪ به حقوقشان افزوده شده بود. همچنین بازنشتگان نیز افزایش حقوق قابل توجهی داشتند. در حالی این اقشار نیز مجدداً وام ۱ میلیون تومانی دریافت می‌کنند که همه‌ی کسانی که حقوق ثابت یا درآمد تضمین‌شده‌ی پایدار دارند، از کرونا آسیب کمتری می‌بینند و در مقابل روزمردها، دستفروش‌ها، کارگران و ... (خصوصاً آن ۱۳٫۵٪ی که در این ایام به کلی شغل خود را از دست دادند) در معرض بیشترین آسیب‌ها هستند. بنابراین به نظر می‌رسد اگر کمک‌های حمایتی و معیشتی، هوشمندتر صورت گیرد، دولت می‌تواند افراد مستحق را در بازه‌ی زمانی بیشتر و با کیفیت بهتر تحت پوشش قرار دهد.

در بخش عرضه نیز، تولیدکننده مشکلاتی دارد و نیازمند کمک است. ابتدایی‌ترین و مهم‌ترین کمک به سمت عرضه، صرف‌نظر کردن از قوانین دست‌وپاگیر و حمایت‌های غیر مالی‌ای مانند برداشتن تعرفه‌ی مواد اولیه‌ی مورد نیاز تولیدی‌هاست. علاوه بر این، هدایت بودجه‌ی عمرانی و اعتبارات سرمایه‌گذاری به بخش‌هایی مثل ماشین‌آلات نیز از ضروریات است؛ چرا که در سال ۱۳۹۸، سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان مثبت بود و منجر به رشد اقتصادی بالا در این بخش نیز شد. تشکیل سرمایه در بخش ماشین‌آلات اما در ۹ ماهه‌ی نخست سال گذشته، ۱۴٫۷- بود و منجر به رشد منفی در بخش صنعت شد. اگرچه حمایت مالی موردی از بنگاه‌هایی که در شرف ورشکستگی هستند، نیاز است اما همین که با اعطای کمک‌های مالی، تقاضا تحریک شود و از سویی، موانع دست‌وپاگیر نیز از پیش روی تولیدکننده برداشته شود، درصد بالایی از بنگاه‌های تولیدی نیازی به کمک‌های مالی برای استمرار تولید، نخواهند داشت. در پایان نیز باید توجه داشت که با این هزینه‌های جدید ایجاد شده برای دولت، تامین مالی از راه‌هایی که در آینده منجر به تورم خواهند شد نیز، ناگزیر خواهد بود. بنابراین باید از امروز، برای کاهش فشار تورم -که با اندکی تأخیر در اقتصاد بروز می‌کند- روی طبقات پایین در آینده، برنامه‌ریزی کرد.



کرونا در کابرد اقتصاد پیش‌هادهای برای درمان

رسید. سپس ترمز رشد منفی بخش‌های غیرنفتی کشیده شد و همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، پاییز ۱۳۹۸ رشد بخش غیرنفتی صفر شد و در پاییز نیز رشد، مثبت شد.

بنابراین در چنین شرایطی کاملاً منطقی به نظر می‌رسد که سیاست‌گذار اقتصادی هدف خود را «جهش تولید» قرار دهد؛ چرا که «رونق تولید» عملاً محقق شده بود و روندها نشان می‌داد که حتی اگر سیاست‌گذار نیز به دنبال تحریک مولفه‌های رشد اقتصادی نباشد، اقتصاد به دلیل تخلیه‌ی اثر تحریم‌ها به طور طبیعی احتمالاً در رونق می‌ماند. بنابراین زمان آن فرا رسیده بود که با تحریک مولفه‌های رشد اقتصادی، در سال ۱۳۹۹ یک جهش رقم بخورد که ناگاه اوج‌گیری شیوع بیماری در کشور در نیمه‌های فروردین، یک شوک منفی قابل توجهی را به اقتصاد ایران وارد کرد. به نظر می‌رسد بخش عمده‌ی انتقاداتی که نسبت به سیاست‌گذار مطرح بود که چرا از پیش، تمهیدات لازم برای مواجهه با این ویروس را فراهم نکرد، منصفانه نباشد؛ چرا که بسیاری از اقتصادهای بزرگ دنیا نیز گمان این همه‌گیری گسترده را نمی‌کردند و غافل گیر شدند. اما اکنون، انتظار می‌رود سناریوهای مختلف، به دقت بررسی شود و برنامه‌های لازم برای مواجهه شرایط متفاوت، تنظیم گردد.

آسیب‌های کرونا به اقتصاد ایران

اکنون سوال اینجاست که آیا کرونا می‌تواند اقتصاد ایران را وارد دوره‌ی رکودی کند و تحقق هدف «جهش تولید» را ناممکن سازد؟! پدیده‌ی است که این شوک منفی، آسیب‌هایی به رشد اقتصادی وارد خواهد کرد اما اینکه سال ۱۳۹۹، رکودی باشد یا شاهد رشد مثبت و حتی جهش تولید باشیم، به عواملی مانند روند شیوع بیماری در ماه‌های آتی و کیفیت تدبیرهای دولت در حوزه‌های «بهداشت» و «اقتصاد» بازمی‌گردد. نظرسنجی ایسپا نشان می‌دهد پس از شیوع کرونا، ۴۱٫۷٪ از کسب‌وکارها تعطیل شدند و ۱۳٫۵٪ از مردم شغل خود را از دست داده‌اند. این آمارها حاکی از آسیب‌های جدی به درآمد خانوارهاست. در این نظرسنجی ۵۰٫۷٪ مخاطبان نیز اظهار کرده‌اند که در ماه‌های اخیر با کاهش درآمد مواجه بودند. بنابراین کرونا از ناحیه‌ی قرنطینه و خانه‌نشینی کردن نیروی کار، باعث کاهش تقاضا در اقتصاد شده است. این شوک طرف تقاضا، آسیب خود را به بنگاه‌ها نیز وارد خواهد کرد.

طبیعاً وقتی خانوارها درآمد نداشته باشند، نمی‌توانند خرید هم انجام بدهند. بنابراین میزان فروش بنگاه‌ها نیز کاهش می‌یابد. علاوه بر کاهش میزان فروش، این آسیب برای بنگاه‌ها یکسان نیست و ترکیب تقاضا نیز دستخوش تغییراتی شده است. بخش‌هایی مانند سینما، حمل‌ونقل و ... بیشتر آسیب دیدند، عمدتاً فروشی و خرده‌فروشی و ... کمتر آسیب دیدند و بخش‌هایی نظیر داروخانه‌ها، تولیدکننده‌های مواد شوینده و بهداشتی و ... نیز با افزایش تقاضا و فروش مواجه شدند. برآوردهای اتاق اصناف ایران نشان می‌دهد که ضرر اصناف در شرایط کرونایی، ماهیانه ۲۵ هزار میلیارد تومان است. بنابراین بر اساس این برآورد، با توجه به اینکه محصول ناخالص داخلی کشور تقریباً ۲۴۳۰ هزار میلیارد تومان است، اگر کشور ۶ ماه درگیر کرونا باشد، تولید ناخالص داخلی تقریباً ۶٪ آسیب خواهد دید.

علاوه بر بنگاه‌ها و خانوارها، دولت نیز از شیوع کرونا، آسیب‌هایی دیده است. افزایش هزینه‌های بهداشت و درمان، افزایش هزینه‌ی کمک‌های معیشتی، کاهش درآمد نفتی و کاهش درآمدهای مالیاتی بخشی از این آسیب‌هاست.

ورود کرونا به ایران، به صورت

رسمی در ۲۹ بهمن ۱۳۹۸ تأیید شد. آمارها حاکی از آن است که شیوع این ویروس در نیمه‌ی فروردی - به اوج خود رسید و پس از آن چه به

لحاظ تعداد ابتلا و چه به لحاظ وفات، آمارها نزولی شد. این که در ادامه چه خواهد شد، آیا دوباره شاهد اوج‌گیری ابتلا خواهیم بود یا خیر، با آمدن فصل گرما شیوع گسترده رخت برمی‌بندد یا نه و ... هنوز برای کسی چندان روشن نیست. وزیر بهداشت در پاسخ به یکی از اقتصاددانان، می‌گوید کسی در جهان نمی‌داند این ویروس با ما چه خواهد کرد و «همه دارند با ویروس ناشناخته، شطرنج بازی می‌کنند». بنابراین برآورد آثار اقتصادی این همه‌گیری بر اقتصاد ایران، خصوصاً در بلندمدت چندان ساده نیست. با این حال، مروری اجمالی بر شرایط اقتصادی کشور پیش از شیوع کرونا و همچنین بررسی آسیب‌هایی که تاکنون به خانوارها، کسب‌وکارها و بودجه‌ی دولت وارد شده، می‌تواند به ارائه‌ی راهکارهایی برای مواجهه‌ی بهتر با تبعات اقتصادی این بیماری کمک کند.



دانیال داودی

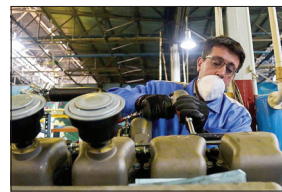
کارشناس اقتصادی

اوضاع اقتصاد؛ پیش از کرونا

پیش از جدی شدن مسئله‌ی کرونا، اوضاع اقتصاد ایران چطور بود؟! آمارهای مرکز آمار نشان می‌دهد بخش غیرنفتی اقتصاد از تابستان ۱۳۹۸، پس از یک سال از رکود خارج شد. در تابستان، رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت کشور به صفر رسید و پاییز، این رقم به ۰٫۹٪ افزایش یافت. «رکود» در تعریف فنی اقتصادی‌اش به شرایطی گفته می‌شود که اقتصاد یا بخش‌هایی از تولید برای شش ماه متوالی (دو فصل) رشد ارزش افزوده‌ی منفی را تجربه کند. در مقابل مفهوم رکود، «رونق» قرار دارد. بنابراین در بخش غیرنفتی اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۸، رونق تولید رخ داده بود. البته اگر به زیربخش‌های تولیدی نگاه کنیم، شرایط یکسان نیست. در برخی بخش‌ها همچنان رکود وجود داشت و در برخی بخش‌ها خیر. «کشاورزی»، «ساختمان»، «حمل‌ونقل، انبارداری، پست، اطلاعات و ارتباطات»، «فعالیت‌های مالی و بیمه» و ... بر اساس آخرین آمارها در رونق بودند و بخش‌هایی مانند «عمده و خرده‌فروشی، فعالیت‌های خدماتی مربوط به تامین جا و غذا»، «صنعت» و ... نیز با رکود مواجه بودند. در مجموع اما می‌توان گفت در سال ۱۳۹۸، وارد دوره‌ی رونق شدیم؛ چرا که تولید ناخالص داخلی بدون نفت، نشان‌دهنده‌ی وضعیت مجموعه‌ی بخش‌های غیرنفتی است.

علاوه بر خروج از رکود، روندها در دوره‌ی پیش از کرونا شرایط را کاملاً مستعد «جهش تولید» نشان می‌دادند. رشد بخش «استخراج نفت و گاز طبیعی»، از پاییز ۱۳۹۷ پس از یک دوره‌ی رونق شش ماهه مجدداً منفی شد. این رشد منفی تا تابستان ۱۳۹۸ تقریباً به طور فزاینده ادامه داشت تا جایی که در تابستان سال گذشته به اوج خود (یعنی ۴۷٪-) رسید. سپس در پاییز سل گذشته رشد بخش نفتی اقتصاد به ۱۵٫۳- رسید. این یعنی تحریم تا حد امکان اثر خود را گذاشت و از تابستان ۱۳۹۸، اثر تحریم در بخش نفتی آرام آرام به سمت تخلیه شدن حرکت کرد. با توجه به شرایط بازار نفت و البته حجم پایین صادرات نفت ما، پیش‌بینی می‌شد رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۹ دیگر از این ناحیه ضربه نخورد. در بخش غیرنفتی اقتصاد نیز، از تابستان ۱۳۹۷ وارد رکود شدیم و رشد منفی این بخش‌ها در پاییز همان سال به اوج خود (یعنی ۵٫۵٪-) رسید.

در روزهای ابتدایی شیوع ویروس کرونا، بازار کشور با معضل تامین مواد بهداشتی و درمانی مواجه شد به گونه‌ای که صف‌های طولانی و نارضایتی مردم در مراکز توزیع و داروخانه‌ها خبرساز شد اتفاقی که ممکن بود برای تامین مواد غذایی و خوراکی نیز رخ دهد اما به واقع چطور شد که در اروپا و آمریکا فروشگاه‌های زنجیره‌ای که بخشی از نظام توزیع اقتصاد لیبرالی است خالی از مواد غذایی شد؟ یا چه شد که کشورهای مدعی فرهنگ از یک دیگر محموله‌های درمانی دزدیدند؟



تحلیلی بر سه گانه واقعیت‌های جهش تولید، کرونا و تحریم

مجتبی مرادی



کارشناس اقتصادی

پس از خروج آمریکا از برجام و بازگشت تمامی تحریم‌های نفتی و غیرنفتی تعلیق شده، دولت یازدهم در مسیری قرار گرفت که مجدد باید از بین سیاست‌های اقتصادی درونزا و برون‌نگر که در واقع پیاده‌سازی مولفه‌های اقتصاد مقاومتی بود یا ادامه روند غرب‌گرا خود که ناشی از تفکری اقتصادی مبتنی بر مولفه‌های برونزایی بود، یک راه را انتخاب می‌کرد. اقتصاد برونزا در واقع روشی بود که دولت یازدهم از همان ابتدای روی کار آمدن خود در پیش گرفت که نتیجه آن به توافق برجام ختم شد اما این توافق نیز به مانند سایر توافقاتی که گذشته به شکست انجامید و سرانجامی برای اقتصاد کشور نداشت. رویکردهای درونزایی اقتصاد و استفاده از سازوکارها و ظرفیت‌های درونی اقتصاد برای رفع نیازها و حل مشکلات و معضلات اقتصادی کشور تقویت شد. ممکن است اثبات این گزاره در فضای کنونی سیاسی اجتماعی کار دشواری باشد اما تغییر در رفتارها و سیاستگذارهای اقتصادی در برخی بخش‌ها به خصوص در حوزه نفت که یکی از کانون‌های اصلی اثرپذیری بازگشت تحریم بود، اثبات کننده این مدعا است.

از جمله این تغییر در سیاست‌ها می‌توان از تقویت بورس‌های مختلف از جمله عرضه نفت و فرآورده‌های نفتی در بورس انرژی، افزایش ظرفیت‌های تولیدی فرآورده‌های نفتی در پالایشگاه‌ها، تصویب و اجرای سریع قانون استفاده از ظرفیت‌های سرمایه‌های مردمی در حوزه پالایشی، حضور فعال‌تر شرکت‌های داخلی در ساخت پالایشگاه‌ها و توسعه پروژه‌های حوزه گاز نام برد. علاوه بر این اصلاح قیمت‌گذاری‌های بنزین (با وجود ایرادات اجرایی مهم) و بازگشت بهره‌گیری از مدل پلکانی از برق و آب از اقدامات مهمی بود که تحریم عامل اصلی اجرای چنین طرح‌هایی شد. در سایر بخش‌ها از جمله ارز نیز رویکردهای متکی به روش‌های درونی تقویت شد به نحوی که مبادله با دلار در بسیاری از فعالیت‌های تجارت خارجی کشور کاهش یافت و استفاده از ارزهای دیگر از جمله ارزهای کشورهای مقصد افزایش یافت. علاوه بر این افزایش شناسایی فرامالیاتی در مشاغل مختلف، ایجاد سازوکار برای دریافت مالیات بر عایدی سرمایه در چند بخش از جمله مسکن و سکه و اصلاح قوانین مربوطه، از اقدامات مهمی بود که برای جبران کاهش درآمدهای نفتی کشور انجام شده است.

در چنین شرایطی طبق گزارش مرکز آمار و گزارش بانک مرکزی رشد بخش صنایع و معادن اقتصاد در سال ۹۸، ۲٫۲ مثبت و رشد بخش کشاورزی ۷٫۲ مثبت بوده که با توجه به آمارهای وزارت صنعت و معدن تجارت تولیدات صنعتی در کشور روندی مثبت و افزایشی را طی کرده که حکایت از تحقق رونق تولید در سال ۹۸ دارد. بر پایه همین رشد تولیدات در حوزه کشاورزی و صنعتی، رهبری انقلاب سال ۹۹ را با شعار «جهش تولید» نام گذاری کردند تا با تداوم رشد تولید در کشور، رشد اقتصادی نیز از صفر خارج شود و روندی جهشی در پیش گیرد که از ثمرات مهم آن نمایان شدن رشد اقتصادی در زندگی مردم خواهد بود.

چالش کرونا در مسیر رشد اقتصاد ایران

از همان روزهای ابتدایی اسفند که اولین بیماران مبتلا به کرونا شناسایی شدند، اثرات شیوع این بیماری بر اقتصاد کشور نیز نمایان شد. مهمترین و اصلی‌ترین ضربه‌ای که کرونا بر اقتصاد وارد کرد، شوک عرضه و تقاضا بود که با کاهش تقاضای مردم و حضور آن‌ها در بازارها، عملاً فروش بسیاری از بازارها به صفر رسید و به

تبع آن مراکز تولیدی نیز به دستور دولت برای کاهش تبعات کرونا تعطیل شدند. با این حال تولید در برخی از مراکز کشور افزایش یافت براساس پژوهش مرکز مطالعات و مدلسازی دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۳۱ درصد از مراکز تولیدی کشور در تولیدشان تغییری ایجاد نشده و حتی ۴ درصد نیز افزایش تولید داشته‌اند. عمده افزایش تولید مربوط به تولیدات بهداشتی و درمانی و مواد غذایی و مواد اولیه این مراکز بوده است. علاوه بر این در زمینه کسب و کارهای مجازی و فروشگاه‌های اینترنتی هم رشد قابل توجهی ایجاد شد آمارهای وزارت صمت نشان دهنده رشد ۳۰ درصدی فروش کسب و کارهای اینترنتی و فروشگاه‌های مجازی است.

از ابتدای شیوع کرونا واردات کالاهای اساسی و بهداشتی نیز افزایش چشمگیری داشت به نحوی که موجب شد روند تراز تجاری کشور که تا ابتدای اسفندماه مثبت ۱٫۲ درصد بود به منفی ۲٫۲ درصد کاهش پیدا کند. علاوه بر این در زمینه صادرات نیز کشور با چالش سختی مواجه شد بسیاری از مرزهای ایران با کشورهای مجاور مانند ترکیه، عراق، پاکستان، آذربایجان، امارات و کویت به حالت نیمه تعطیل درآمد و صادرات از مرزهای تجاری مهم به صفر رسید.

کرونا در کنار جنگ نفتی روسیه و عربستان کاهش قیمت نفت ایران را سرعت بیشتری داد. همچنین شیوع این ویروس عاملی برای کاهش تقاضای نفت در جهان شد که قیمت نفت ایران را نیز به حدود ۲۰ دلار رساند. علاوه بر این کاهش قیمت نفت و کاهش تقاضای بنزین بر ارزش محصولات پالایشی مانند بنزین نیز اثر گذار بود و در دو ماه اخیر کاهش قیمت بنزین در بازارهای جهانی شدت یافته است.

راه‌های پیش‌روی دولت

برای کاهش اثرات اقتصادی کرونا

کارگروه اقتصادی ستاد ملی کرونا ضربه ویروس کووید ۱۹ را به اقتصاد کشور را ۱۵ درصد تولید ناخالص داخلی تخمین زده که در حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود. علاوه بر این طبق اعلام وزیر کار نزدیک به ۶۰۰ هزار نفر در اثر ویروس کرونا بیکار شده‌اند که قرار است به این افراد نیز بیمه بیکاری پرداخت شود که نشان دهنده تضعیف و تعطیلی برخی بخش‌های تولیدی و خدماتی کشور است.

کشورهای مختلف به مقتضای شرایط خود برای

جبران هزینه‌ها و خسارت‌های ناشی از شیوع کرونا، بسته‌های سیاستی پولی و مالی را اجرایی کردند که ایران نیز از بین سیاست مالی انبساطی و پولی انبساطی، سیاست‌های عمدتاً پولی را انتخاب کرد. دولت در این راستا چند بسته تسهیلات قرض الحسنه و بلاعوض را پیش‌بینی کرده که شامل تسهیلات ۷۵ هزار میلیارد تومانی به واحدهای تولیدی، پرداخت ۲۳ هزار میلیارد تومان تسهیلات قرض الحسنه یک تا ۲۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومانی به دهک‌های کم درآمد، برداشت یک میلیارد یورو از صندوق توسعه ملی جهت واردات مواد مورد نیاز تولیدی و مصرفی لوازم بهداشتی و درمانی است.

در کنار این سیاست‌ها، دولت در زمینه افزایش مهلت به صاحبان چک‌های برگشتی، تعویق اقساط برخی از تسهیلات بانکی، تعویق پرداخت حق بیمه‌ها توسط کارفرمایان و همچنین تعویق پرداخت مالیات اقدامات مناسبی انجام داده است.

با این حال همیشه یکی از حلقه‌های مفقوده پرداخت تسهیلات در حوزه اقتصادی و تولید، به خصوص در شرایط بحرانی کشور مدیریت و سنجش اقشار مورد نیاز این تسهیلات است. به نحوی که همه ساله تسهیلات بسیاری در حوزه‌های مختلف اقتصادی در قالب اهدافی مشخص پرداخت می‌شود اما انحراف بالایی این تسهیلات موجب کاهش بازدهی آن شده است. طبق آمارهای وزارت صمت بانک‌های کشور ۶۱۳ هزار میلیارد تومان در سال ۹۶، ۷۷۳ هزار میلیارد تومان در سال ۹۷ و ۸۱۸ هزار میلیارد تومان در سال ۹۸ تسهیلات به بخش‌های مختلف اقتصادی پرداخت کرده‌اند. درحالی‌که تقاطع‌گیری میزان پرداخت‌های تسهیلات به بخش‌های مختلف از جمله صنعت با میزان اشتغال ایجاد شده و تغییرات نرخ بیکاری در بخش‌های صنعتی همخوانی ندارد. به نحوی که در ۱۱ ماهه سال ۹۸ بیش از ۵۷۴ هزار نفر شغل جدید در بخش صنعت ایجاد شده اما نرخ بیکاری این بخش منفی ۰٫۶ درصد بوده که به معنای کاهش ۱۳۰ هزار نفری نسبت به زمان مشابه در سال ۹۷ است و این آمار حکایت از تعطیلی و کاهش اشتغال در بخش صنعت دارد که مهمترین عامل آن کمبود نقدینگی بوده است این درحالی است سهم بخش صنعت در ۱۱ ماه سال ۹۸ سهم صنعت از تسهیلات ۸۱۸ هزار میلیارد تومانی پرداخت شده به بخش‌های اقتصادی، ۳۳۸۸۲۸ هزار

میلیارد تومان بوده است. با توجه به توضیحات فوق دولت برای مدیریت هزینه تسهیلات حمایت از تولید آسیب‌دیده از کرونا، لازم است تا روش پرداخت گذشته را به شیوه «پرداخت به ذی نفع نهایی» تغییر دهد که در این رابطه دو ابزار باید اجرایی شود: ۱- پرداخت مستقیم هزینه‌های واحدهای تولیدی و کسب و کارهای مختلف به ذی نفعان آن‌ها که عبارتند از حق بیمه، هزینه آب و برق و گاز و مواد اولیه و دستمزد کارگران که این روش موجب مدیریت بخشی از هزینه واحد تولیدی می‌شود. ۲- سامانه‌های شفافیت هزینه‌کرد منابع لازم.

نحوه مواجه مردم

در حل مشکلات و کمبودهای اقتصادی

در روزهای ابتدایی شیوع ویروس کرونا، بازار کشور با معضل تامین مواد بهداشتی و درمانی مواجه شد به گونه‌ای که صف‌های طولانی و نارضایتی مردم در مراکز توزیع و داروخانه‌ها خبرساز شد اتفاقی که ممکن بود برای تامین مواد غذایی و خوراکی نیز رخ دهد اما به واقع چطور شد که در اروپا و آمریکا فروشگاه‌های زنجیره‌ای که بخشی از نظام توزیع اقتصاد لیبرالی است خالی از مواد غذایی شد؟ یا چه شد که کشورهای مدعی فرهنگ از یک دیگر محموله‌های درمانی دزدیدند؟

در واقع راهبردی که کشورمان را از وقوع اتفاقاتی مشابه رخدادهای کشورهای غرب نجات داد، وجود نظام توزیع و تولید مواد غذایی و لوازم بهداشتی «مردم‌محور» در کنار نظامات واردات، تولیدی و توزیعی مایحتاج مردم بود. در دو ماه اخیر اقشار مختلف مردم در قالب مساجد، گروه‌های جهادی و مردمی به صورت خودجوش در زمینه تامین، تولید، بسته‌بندی و توزیع مواد بهداشتی و غذایی و کالاهای اساسی فعال شدند. در کنار این وجود فروشندگانی محله‌محور نیز کار توزیع حجم بالایی از مواد غذایی و بهداشتی مورد نیاز مردم را انجام دادند. حتی تعداد زیادی از شرکت‌های دانشجویان کارکرد خود را به سمت تولید موارد مورد نیاز مردم تغییر دادند.

اما در نقطه مقابل، دولت‌های غربی مجبور شدند با بهره‌گیری از واردات گسترده و استفاده از روش‌های متضاد با کرامت انسانی، نیازهای مردم خودشان را تامین کنند. در واقع شیوع کرونا به نقطه مشترکی تبدیل شد تا رویکردهای اجتماعی و دینی نظام اسلامی در برابر دولت‌های غربی نمایان شود.



سومین عاملی که می‌تواند رکود را تشدید کند، تسلب نقدینگی است یعنی پولی نچرخد اگر در اقتصاد پول نچرخد باعث رکود می‌شود ما یک گردش کالا داریم و یک گردش پول در اقتصاد مقاومتی اگر گردش کالا هم البته این گردش باید اتفاق بیفتد اما اگر گردش کالا هم به هر دلیلی متوقف شود یا کاهش پیدا کند

نسخه‌های برای جان‌گرفتن کسب و کارها



دکتر حجت الله عبدالملکی

عضو هیات علمی دانشگاه امام صادق (ع)

از سال ۲۰۰۸ به این طرف که ما بحران بزرگ مالی غرب را داشتیم شاید بتوان شود گفت که از نظر تحلیل‌گران کوید ۱۹ و کرونا بزرگترین شوکی است که دارد به اقتصاد جهانی وارد می‌شود. این شوکی که به اقتصاد جهان وارد می‌شود از چند منظر هست که می‌تواند باعث یک رکود جهانی شود که میلیون‌ها فرصت شغلی را از بین خواهد برد اگر مدیریت نشود. مهم‌ترین عاملی که گفته می‌شود در مرحله اول این است که باعث رکود اقتصاد جهانی می‌شود. دو قدرت اقتصاد بزرگ دنیا هست که سال ۲۰۱۹ چین ۲۱۰۰ میلیارد دلار از دنیا کالا خدمات خریده است یعنی چین یکی از بزرگترین وارد کنندگان دنیا است. کالا و خدماتی مثل گردشگری و اینها اگر که این مسئله‌ای که از اوایل ۲۰۲۰ شروع شده است ادامه پیدا کند طبیعتاً تقاضا برای کالا در چین کاهش پیدا خواهد کرد. تقاضای کالا اگر در چین کم شود به خودی خود باعث می‌شود در اغلب کشورهای دنیا تولید کاهش پیدا کند به خاطر اینکه کمتر کشوری را پیدا می‌کنیم که به نوعی به چین کالا صادر نکند و یا حداقل گردشگری کاهش پیدا نکند طبیعتاً از طرف دیگر با رکود اقتصادی چین میزان عرضه کالاهای چینی به کشورهای دیگر هم کاهش پیدا می‌کند این خودش روی رکود اقتصاد جهانی اثر می‌گذارد همانطور که عرض کردم خود اینکه گردشگران چینی قرار است در خانه‌هایشان بنشینند و به کشورهای دیگر سفر نکنند این خودش عاملی هست که طبیعتاً منجر به این خواهد شد که یک رکودی در بخش گردشگری در اقتصاد جهانی اتفاق بیفتد پس یک بخشی از اتفاقاتی که در اقتصاد جهانی می‌افتد از طرف اقتصاد چین هست. اقتصادهای دیگر دنیا هم تحت تاثیر قرار می‌گیرند خود آمریکا طبیعتاً که پیش‌بینی‌هایی الان هست که نیم درصد نرخ رشد اقتصادی او کاهش پیدا خواهد کرد. از سال ۲۰۲۰ با این وضعیت در بقیه کشورها که درگیر هستند در اروپا و آسیا و کره جنوبی و خود ایران و بیش از ۱۱۰ کشور که درگیر هستند، همه این کشورها با یک رکودی مواجه خواهند شد لذا یک رکودی به اقتصاد جهانی می‌تواند تزریق شود در سال دو هزار و بیستم به شرط این که این بحران مدیریت نشود. پیش‌بینی‌ها این است که حداقل سال دو هزار و بیست و یک درصد از نرخ رشد متوسط جهانی کاهش پیدا کند پیش‌بینی می‌شد که در سال دو هزار و بیست و یک درصد رشد داشته باشد.

پیش‌بینی‌های بدبینانه‌ای هم هست که می‌گوید ممکن است نرخ رشد اقتصاد جهانی به صفر برسد حتی یعنی

ما یک رکود بسیار بسیار جدی داشته باشیم در اقتصاد جهانی که این رکود جهانی اثرات دیگری به دنبال خواهد داشت برای همه کشورهای دنیا از جمله برای ما. یکی از آن اینست که قیمت جهانی نفت کاهش پیدا خواهد کرد کم‌اینکه کرده است در هفته‌های گذشته حدود بیست دلار قیمت نفت کاهش پیدا کرده است که این ضرر مستقیم برای اقتصاد کشورهای نفتی مثل ایران دارد. بازارهای مالی هم دچار چالش شده‌اند تقریباً همه بازارهای سرمایه در غرب در در آمریکا در اروپا دچار چالش شده‌اند بازار سهام خودمان هم در ایران [همینطور] البته در تب کرونا در ایران و در چین به‌صورت غیرمنطقی شاخص رشد در ایران رشد می‌کرد اما در رشد روزهای گذشته متأسفانه این رشد منفی شده است و شاخص بورس در حال ریزش است، این اتفاقاتی که در اقتصاد جهانی می‌افتد باعث می‌شود که ما هم در ایران مشکلاتی داشته باشیم ما در ایران هم در شرف یک رکود اقتصادی هستیم که این رکود اقتصادی از سه مدخل می‌تواند داشته باشد اگر مدیریت نشود: یک کاهش تقاضای داخلی و دلیل دوم کاهش تقاضای خارجی برای اقتصاد ایران هست و دلیل سوم تسلب نقدینگی یا ایجاد مشکل در چرخش پول. این که می‌گوییم تقاضای داخلی کاهش پیدا می‌کند به‌عنوان اولین دلیل از دو جهت است یک جهت این که تقاضا برای همه کالا و خدمات گردشگری کاهش پیدا می‌کند یعنی چه؟ یعنی این که می‌بینید که سفرها کم شده است دائماً هم تاکید می‌شود که سفر کم شود بنابراین گردشگری یک مجموعه وسیعی از کالاهاست از سوغاتی در نظر بگیرید از هتل و رستوران و خدماتی که در مراکز گردشگری و جاهای دیگر اتفاق می‌افتد و اگر این اتفاق بیفتد که دارد می‌افتد تقاضا برای گردشگری هم کم می‌شود و خود به خود تولیدات محصولاتی که مربوط به گردشگری هستند کاهش پیدا می‌کند که کرده است دومین جهت کاهش تقاضای داخلی بحث خرید خانوارها است بازهم تأکید می‌شود که خانوارها خانواده‌ها نروند بیرون چون ممکن است مریض شوند و مریض شیوع پیدا کند و بنشینند در خانه‌هایشان.

این یکی از اثرات آن این است که خانواده‌ها خرید هم نمی‌کنند وقتی خرید نکردند این یک رکودی می‌شود برای فروشنده و بقیه تولیدکننده‌ها. این دو مورد که

گفتم کاهش تقاضای خانواد به اضافه کاهش تقاضا برای کالاها و خدمات گردشگری، تزریق می‌شود به بقیه بخش‌هایی که بالادست این‌ها هستند مثلاً اگر تقاضا برای مثال مانتو لباس شلوار کاهش پیدا کرد خودبه‌خود تقاضای تولیدکننده‌های این اقلام هم برای کارخانه‌های بالادست‌شان که مثلاً تولیدکننده پارچه هستند کاهش پیدا خواهد کرد آن وقت تقاضای کارخانه تولیدکننده پارچه برای نخ یا برای پشم و پنبه هم کاهش پیدا خواهد کرد این مقدار تزریق به تعداد زیادی سرمایه‌های بالادستی کشور می‌شود. پس یک مسئله کاهش تقاضای داخلی است که ما را به سمت رکود و بیکاری شدیدتر ممکن است پیش ببرد. دومین عامل که منجر به رکود و بیکاری می‌تواند شود، کاهش تقاضای خارجی است تقاضای خارجی یعنی صادرات اگر صادرات کم شود به تبع آن تولید در کشور دچار مشکل می‌شود به‌رحال ما چهل یا چهل و پنج میلیارد دلار تحریم صادرات غیرنفتی داریم اگر ما نتوانیم صادر کنیم به همین میزان تولیدمان کاهش پیدا می‌کند و به اصطلاح بیکاری ایجاد می‌شود متأسفانه این اتفاق تا حدی هم دارد می‌افتد یعنی خیلی از کشورهای همسایه مرزهایشان را بسته‌اند و ما امکان صادرات نداریم و اگر بخواهد این ادامه پیدا کند به معنای اینست که تعداد زیادی از صنایع و کسب و کارها دچار رکود خواهند شد ضمن این که یکی از صادرات بسیار مهم، صادرات خدمات گردشگری هست یعنی این که گردشگران خارجی بیایند داخل اقتصاد ایران بیایند و

در کشور ما به گشت‌وگذار بپردازند که خودش یک درآمد قابل‌ملاحظه‌ای برای ما در ایران بالاخره داشته است در این سال‌ها و قبلاً هم داشت و این کم می‌شود پس تقاضای داخلی و تقاضای خارجی کم می‌شود.

سومین عاملی که می‌تواند رکود را تشدید کند، تسلب نقدینگی است یعنی پولی نچرخد اگر در اقتصاد پول نچرخد باعث رکود می‌شود ما یک گردش کالا داریم و یک گردش پول در اقتصاد مقاومتی اگر گردش کالا هم البته این گردش باید اتفاق بیفتد اما اگر گردش کالا هم به هر دلیلی متوقف شود یا کاهش پیدا کند، گردش پول نباید متوقف شود به خاطر این که ما می‌گوییم که پول شبیه خون در بدن انسان عمل می‌کند. در تن اقتصاد اگر این پول گردش پیدا نکند و یکجا تجمع کند و یک جا باشد ضعف تولید و باعث شکاف‌های رفاهی خیلی جدی می‌شود.

دومین عامل که منجر به رکود و

بیکاری می‌تواند شود، کاهش تقاضای

خارجی است تقاضای خارجی یعنی

صادرات اگر صادرات کم شود به

تبع آن تولید در کشور دچار مشکل

می‌شود به‌رحال ما چهل یا چهل

و پنج میلیارد دلار تحریم صادرات

غیرنفتی داریم

این گردش پول یعنی چه و چرا ممکن است باعث تسلب نقدینگی و جلوگیری از گردش این پول شود؟ گردش پول یعنی این که من و شما به‌عنوان خانواده و به‌عنوان مصرف‌کننده می‌رویم در بازار لباس می‌خریم پول از جیب یا کیف یا حسابمان منتقل می‌شود به حساب فروشنده و فروشنده آن پولی را که به حساب او واریز شده می‌رود و از عمده فروش لباس، لباس می‌خرد و پول از حساب او واریز می‌شود به حساب عمده‌فروش و عمده فروش می‌رود و آن پولی که از خرده فروش گرفته به تولیدکننده پول می‌دهد و از او لباس می‌خرد و تولیدکننده آن پول را می‌دهد به کارخانه از او پارچه می‌خرد و کارخانه آن پول را می‌دهد به مثلاً کشاورز یا دامدار از او پشم می‌خرد یا از او پنبه می‌خرد که در نتیجه نخ اقتصاد می‌چرخد و از قضا مثلاً وضع خود ما هم که آمده‌ایم و با خریدن لباس این چرخه را شروع کرده‌ایم به عنوان خود آن کارگر یا کارمند آن کارخانه تولید نخ یا تولید پارچه‌ای یا مثلاً مزرعه کشاورزی هستیم مثلاً طبیعتاً این یعنی این که دوباره پول به جیب ما برمی‌گردد این جریان چرخش پول در کلان اقتصاد کشور هست در جریان کرونا این چرخش پول از یک طرف ارزش افزوده ایجاد می‌کند و از یک طرف مسیرهای توزیع درآمد و رفاه را شکل می‌دهد یعنی چه؟

یعنی مثلاً یک نفری که تازه استخدام شده است در یک مغازه لباس‌فروشی با این پولی که به من و شما می‌دهیم و با آن خرید می‌کنیم حقوق می‌گیرد یا مثلاً فرض کنید یک کسی که الان تازه شروع کرده است پنبه دارد تولید می‌کند کشت می‌کند و آن کارخانه نساجی یک کارخانه ریسندگی با آن پولی که من و شما داریم لباس خریدیم به دستور رسید می‌رود و پنبه می‌خرد و آن چرخه درآمدی تولید می‌شود. در تولید پنبه حالا در جریان کرونا از دو جهت این چرخش نقدینگی و این جریان نقدینگی مختل می‌شود اولاً همان‌طور که عرض کردم خانواده‌ها و مصرف‌کننده‌های نهایی کالا نمی‌خرند و این پول به چرخش در نمی‌آید و تولیدکننده‌ها و فروشنده‌ها و کسبه درآمد ندارند این‌ها اگر درآمد نداشته باشند طبیعتاً باید کارخانه‌شان را یا مغازه‌هایشان را ببندند یا باید اخراج کنند چاره‌ای ندارند که اینکار را کند دومین منبعی که ما داریم برای چرخش برای نقدینگی طبیعی یک بخشی از نقدینگی بنگاه‌ها در فروشنده‌ها و کارخانه‌ها از محل تسهیلاتی است که از شبکه بانکی می‌گیرد شبکه بانکی از سال نود و هشت، نهصد هزار میلیارد تومان دارد تسهیلات پرداخت می‌کند و کرده است تقریباً این تسهیلات نه همه آن بلکه بخش اندکی از آن بگوییم حتی پنج درصد از آن بیاید در تولید و فعالیت‌های کسب و کار به چرخش دربیاید این می‌شود تقریباً مثلاً چهل یا چهل و پنج هزار میلیارد تومان. متأسفانه در روزهای اخیر یکی از اتفاقات بدی که افتاد این بود که بانک‌ها آمدند و



دولت باید تزریق نقدینگی را متوقف نکند و شبکه بانکی با رعایت ملاحظات بهداشتی و همه ی ملاحظات آنی که لازم است برای کسب و کار سالم از نظر بهداشتی بحث تزریق نقدینگی را ادامه دهد.

اعلام کردند که ما وام نمی‌دهیم و می‌خواهیم فعالیت‌های بانکی‌مان را کاهش بدهیم گفتیم چرا گفتند؟ به خاطر این که همکاران ما در شبکه بانکی مریض شدند تعدادی فوت کردند و نمی‌شود ... حالا این فوتی‌ها احیاناً چقدر بوده است که من معتقدم که در شبکه بانکی هر مقداری که ما بیماری و فوتی داشتیم طبیعتاً در اصناف دیگر هم داشتیم در دانشگاه هم داشتیم در کارمندهای سازمان‌های دیگر هم داشتیم در کسبه هم داشتیم اما به‌رحال این کاهش عملیات بانکی به معنای پرداخت تسهیلات، این خودش یک اثر بدی روی تامین نقدینگی بنگاه‌ها گذاشته است. حالا اینجا سیاست طبیعتاً برعکس است یعنی اگر درواقع ورودی نقدینگی کسبه و فعالان اقتصادی و تولیدکننده‌ها از محل تقاضا برای کالا کاهش پیدا کند چه خرید خانواده‌ها باشد چه بحث تقاضای خارجی یا مثلاً صادرات باشد یا مثلاً گردشگری و هر چیزی باشد آن عامل دوم باید بیاید جریان کند یعنی نظام بانکی باید بیاید و جریان کند نه این که نظام بانک برود کنار و بگوید به من ربطی ندارد حالا من هم برای این که کرونا بگیرم نقدینگی توزیع نمی‌کنم. این سه عامل یعنی کاهش تقاضای داخلی کاهش تقاضای خارجی یا تقاضای صادراتی و کاهش نقدینگی یا تسلب نقدینگی این سه عاملی است که درواقع این رکودی که ایجاد شده را و کم کم دارد ایجاد می‌شود را تشدید می‌کند و ما باید این را مدیریت کنیم.

حالا چطور مدیریت کنیم؟ ما الان در اقتصاد مقاومتی هستیم و اینجا لازم است که یک‌بار دیگر تعریف اقتصاد مقاومتی را یادآور شوم اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که در شرایط دشواری و تهدید و دشمنی و در شرایط مشکلات و باوجود همه موانع به اهداف خودش می‌رسد این تعریف اقتصاد مقاومتی هست یک وقتی همین سال‌های گذشته که مقام معظم رهبری اقتصاد مقاومتی را مطرح کردند بعضی می‌گفتند که اقتصاد مقاومتی چه است ما می‌رویم با مذاکره مشکلات را حل می‌کنیم نیازی هم به اقتصاد مقاومتی نداریم ما عرض می‌کردیم که اصلاً بحث این نیست که مذاکره شود یا نشود فقط یکی از موانع در مسیر پیشرفت اقتصادی تحریم‌های خارجی است یک مانع دیگه می‌تواند جنگ باشد جنگ داخلی و خارجی یک مانع دیگر می‌تواند بلایای طبیعی باشد یک مانع دیگر می‌تواند بیماری‌های واگیردار باشد الان آن چیزی که دارد باعث رکود ما و باعث مشکل اقتصادی برای ما می‌شود در واقع همین مسئله یک بیماری واگیردار است نه تحریم است و نه جنگ است و نه هیچ مسئله دیگری پس ما به اقتصاد مقاومتی احتیاج داریم اگر نداشتیم اقتصاد مقاومتی را هم در شرایط تحریم لطمه می‌بینیم هم در شرایطی بیماری‌های واگیردار لطمه می‌بینیم و هر مشکل دیگری که پیش بیاید زلزله بیاید لطمه می‌بینیم سیل بیاید لطمه می‌بینیم و لذا عقل حکم می‌کند که ما نظام اقتصادی مان را به نحوی تنظیم بکنیم که هر اتفاقی هر مانعی هر مشکلی پیش بیاید ما اقتصادمان دچار ضعف و خلأ نشود نرویم در رکود و بیکاری و این یعنی مقاومت کردن.

خب در این شرایط چه کاری باید انجام بدهیم تا اقتصاد ما یک اقتصاد مقاومتی شود در مقابل کرونا یعنی اقتصاد مقاومتی کرونایی داشته باشیم؟ خب بنده متناسب وضعیت بنگاه‌ها و کسب و کارها عرض می‌کنم که کسب و کارها دچار رکود نشوند و به طبع آن اقتصاد در کلان هم دچار رکود نشود و بیکاری افزایش پیدا نکند که سه گروه وظایفی را دارند که اولین وظیفه متوجه دولت و حاکمیت است در قبال تقاضای داخلی و تقاضای خارجی و نقدینگی مسئولیت دارد که یک بخش آن انجام شده و یک بخش آن هنوز انجام شده و باید انجام شود.

در رابطه با بحث نقدینگی: دولت باید تزریق نقدینگی را متوقف نکند و شبکه بانکی با رعایت ملاحظات بهداشتی و همه ی ملاحظات آنی که لازم است برای کسب و کار سالم از نظر بهداشتی بحث تزریق نقدینگی را ادامه دهد. شبکه بانکی نباید کارش را متوقف کند اما بعضی از افراد به بنده اعتراض کردند که ۱۰ نفر از اعضای شبکه بانکی به خاطر کرونا فوت کردند و چرا به فکر این‌ها نیستید؟ به فکر آنها هستیم اما حرف ایجاست که فعالیت‌های اقتصادی نباید قطع شود و ما هم از همکاران در کمیته امداد چند نفر به خاطر کرونا فوت کردند

لذا یک اتفاقی ویژه‌ای نیست که شبکه بانکی را به تعطیلی کشاند. دومین کار در ارتباط با بحث نقدینگی باید انجام شود که دولت انجام داده و بانک مرکزی هم ابلاغ کرده است این است که اقساط واحدهایی که درگیر کرونا هستند و دچار مشکل می‌شوند را امهال کنند و سه ماه تنفس داده شده است فقط یک مسئله‌ای که وجود دارد این است که مصادیق فعالیت‌هایی که این امهال و این فرصت بانکی ایجاد شده است شامل ۱۰ مورد از کسب و کارها می‌شود لکن حتماً نیاز است که کسب و کارهایی که مستقیماً درگیر می‌شوند و نمی‌توانند اقساطشان را پرداخت کنند، فعالیت‌ها تولیدی و کسبو کارهای دیگری است که به این‌ها وابسته هستند و آنها هم دچار مشکل خواهند شد مثلاً فلان رستوران کسب و کارش تعطیل شده و نمی‌تواند درآمد داشته باشد و برای او تنفس در نظر می‌گیریم لذا تصور کنید یک فرد کارآفرین در خانه تشری و محصولات غذایی برای رستوران

تولید می‌کند و چون این رستوران تعطیل شده است، او هم نمی‌تواند درآمد داشته باشد ولی وام هم دارد و امهال نشده است پس در جریان امهال وام‌ها باید شبکه بانکی به نحوی تدبیر کند که همه کسب و کارهای مرتبط و به صورت زنجیره‌وار مرتبط می‌شوند، تنفسی در نظر گرفته شود. کار دیگری که در همین راستای کاهش تسلب انجام شده توسط دولت، کار خوبی که انجام شده است این است که حق بیمه سهم کارفرما را با تاخیر پرداخت شود یعنی این چندماه حق بیمه را پرداخت نکنند البته به شرط اینکه نیروی کار خود را اخراج نکنند و در طول سال پرداخت کنند. کار دیگری که شبکه بانکی باید انجام دهد بحث تخفیف‌های مالیاتی است و در حال حاضر اظهار نامه مالیات بر ارزش افزوده باید توسط کسبه پر شود و خیلی از کسبه و تولیدکننده‌ها به خاطر این جریان در آخر سال فروش ندارند و دچار مشکل درآمدی شدند که باید دولت در این رابطه با آنها تخفیف‌هایی را قائل شود اما اینجا ما با یک پارادوکس مواجه هستیم چون بودجه ۹۹ خود به خود دارای کسب‌ری کلان است و اگر دولت بخواهد روی مالیات هم کوتاه بیاید در نتیجه کسری خیلی بیشتر

خواهد شد و مشکل بودجه کشور عمیق‌تر خواهد شد و اگر بودجه با کسری مواجه شود دچار تشدید رکود خواهد شد چون بودجه دولتی تبدیل به تقاضای عمومی خواهد شد و آن تقاضا چرخ تولید را می‌چرخاند پس چیکار کنیم که هم به کسبه بابت مالیات فشار نیاید و از طرفی دولت هم به کسری بودجه‌اش بیشتر نشود؟ اینجا دولت باید از روش‌های مالیاتی که منجر به رکود تولید نمی‌شود استفاده کند اما با چه روش و ابزاری؟ ما یک قاعده‌ای داریم به نام مالیات بر عایدی سرمایه که متأسفانه دولت زیربار آن نرفته و به طور کامل و درست انجام بگیرد. مالیات بر عایدی سرمایه یا به اصطلاح عامیانه مالیات برای سودهای بادآورده که یک نوعی از مالیات است که به تولید ضربه‌ای نمی‌زند و یک برآوردی است که در سال ۹۷ تا بهار ۹۸ حدود ۴۰۰ هزار میلیارد تومان عایدی سرمایه اتفاق افتاده یعنی سود باد آورده بدون کار مثلاً دلار ۴۲۰۰ گرفتند و کالا وارد کردند و ۱۰ هزار تومان فروختند و با املاک خریدند و قیمت خیلی نجومی پیدا کرده است و با سهام خریدند و درآمدهایی را داشتند و یا در بازارهای دیگر بدون اینکه کار خاصی انجام بدهند سودی را کسب کرده‌اند که این مالیات به نام مالیات عایدی بر سرمایه یا سی‌جی‌تی که می‌تواند مورد توجه جدی‌تر باشد بر این موضوع و از طرف دیگر فرارهای مالیاتی رو کنترل کند و در نتیجه آن می‌تواند برای کسب و کارهای تخفیف‌های مالیاتی دهد و در این شرایط کرونایی کمکی برای تولید کننده‌ها باشد. همچنین برای تولیدکنندگان بارانه‌ای به مبلغ ۲۰۰ الی ۶۰۰ هزار تومان در نظر گرفته است که اگر دولت بتواند شناسایی کند کسب و کارهایی را که دچار خسارت شده‌اند، کمک بیشتری کند کاملاً جا دارد. این بخشی از کارهایی که دولت برای کسب و کارهای خرد باید انجام دهد. اما دولت در رابطه با تقاضای خارجی هم مساعدت کند و این قابل قبول نیست که مرزهای ما بسته است و امکان صادرات نداریم اما باید با رعایت ملاحظات بهداشتی امکان صادرات باشد که احتیاج به یک دیپلماسی اقتصادی قوی دارد و وزارت خارجه در کشورهایی که صادرات انجام می‌گرفت، ورود کنند تا مسیرهای صادرات را باز کنند برای مثال فلان کشور بگوید من مرز خودم را بستم و اجازه نمی‌دهم و ما هم دست روی دست بگذاریم که اصلاً منطقی نیست و الان به نظر من باید وزیر امور خارجه باید کفش و کت خودش را بپوشد و شروع کند به سفر کردن برای مجاب کردن کشورهای واردکننده کالای ایرانی که به واردات خودشان ادامه دهند چون به نظر من در ۹۵ درصد نقاط کشور به معنای مکان مثلاً واحد تولیدی یا کارگاه و مزرعه و خانه اصلاً این ویروس وجود ندارد لذا اگر تولیدی در انجا اتفاق بیافتد می‌توان بدون نگرانی صادر شود الان فکر می‌کنید چین

کار دیگری که شبکه بانکی باید انجام دهد بحث تخفیف‌های مالیاتی است و در حال حاضر اظهار نامه مالیات بر ارزش افزوده باید توسط کسبه پر شود و خیلی از کسبه و تولیدکننده‌ها به خاطر این جریان در آخر سال فروش ندارند و دچار مشکل درآمدی شدند که باید دولت در این رابطه با آنها تخفیف‌هایی را قائل شود اما اینجا ما با یک پارادوکس مواجه هستیم چون بودجه ۹۹ خود به خود دارای کسری کلان است

دولت باید تزریق نقدینگی را متوقف نکند و شبکه بانکی با رعایت ملاحظات بهداشتی و همه ی ملاحظات آنی که لازم است برای کسب و کار سالم از نظر بهداشتی بحث تزریق نقدینگی را ادامه دهد. شبکه بانکی نباید کارش را متوقف کند اما بعضی از افراد به بنده اعتراض کردند که ۱۰ نفر از اعضای شبکه بانکی به خاطر کرونا فوت کردند و چرا به فکر این‌ها نیستید؟ به فکر آنها هستیم اما حرف ایجاست که فعالیت‌های اقتصادی نباید قطع شود و ما هم از همکاران در کمیته امداد چند نفر به خاطر کرونا فوت کردند



چطور توانسته اقتصاد دنیا را قیضه کرده است؟ آیا چین با کیفیت کالاهایش اقتصاد جهان را گرفته است؟ اصلاً این طور نیست و حال دارد به طبع صادرات بیشتر کیفیت خودش را بالا می‌برد زیرا چینی که مشهور بوده است به کالای بی کیفیت که یک بخش آن به دلیل کاهش قیمت بوده اما مهم‌تر از آن مسئله دیپلماسی اقتصادی چین است چون سفرای آن شب و روز نمی‌خوانند برای اینکه کالای چینی بفروشند برای مثال در سفارت چین در ایران که مراجعه می‌کنید و می‌خواهید سیم از چین وارد کنید که همان زمان یک فهرستی از تولیدکنندگان سیم چینی را به شما می‌دهد و به شما می‌گویند که از کدام می‌خواهی واردات انجام دهی؟ و من خودم با شرکت ارتباط می‌گیرم و شما را متصل می‌کنم یعنی سفارت خانه‌های چین در کشورهای مختلف شبیه به مراکز بازرگانی عمل می‌کنند و سفرای چین در به در کشورهای مقصد به دنبال بازار می‌گردند که متأسفانه ما اینطور نیستیم و این صبر کردن برای اینکه ویروس منحوس بگذرد یعنی ۲ میلیون بیکار اضافه شدن به بیکاران و خدا نکند که از کرونا جان سالم به سر ببریم و از فقر و فلاکت بگریزیم.

دسته دوم تولیدکنندگان هستند تا بتوانند از این آسیب اقتصادی مسئولیت خود را انجام دهند و باید چندان کار را انجام دهند. ما در اقتصاد مقاومتی یک قاعده‌ای برای تولید داریم و آن هم این است که هر تولید کننده باید برنامه دومی در فرآیند تولید خود داشته باشد یعنی اگر فرض کنیم که تولید حال او دچار مشکل شد، تولیدکننده به جای آن چه چیزی را تولید کند فرضاً رستوران دارید و به هر دلیلی رستوران باید ببندید و باید یک محصول دومی را هر تولید کننده‌ای سعی کند که داشته باشد اما در حجم بالا فعلاً مصادیق آن را بررسی نکردیم مثلاً محصول دوم رستوران، بسته‌بندی مواد غذایی باشد و یا اینکه کارگاه خیاطی دارم و الان هم دچار رکود هستیم و بروم سراغ تولید ماسک چراکه بدم و یاد گرفته‌ام پس به طور کلی تولیدکننده‌ها یک استراتژی دوم داشته باشند و اینجا خلاصه‌ای هم مهم است مثلاً یک هتل دار می‌تواند در ایامی که هتل تعطیل است با مشورت به این برسد که چی کاری می‌توانم انجام دهد؟ پس تولیدکننده‌ها بروند سراغ شناسایی استراتژی دوم خودشان و در آن زمینه فعالیت کنند شاید نیاز باشد که با تولیدکننده‌های دیگر همراه شوند مثلاً با فضای کسب و کاری که دارم و با کارگاه‌های دیگر همکاری کنم و محصولات آن را بیاورم و بسته‌بندی کنم و با برند به او تحویل بدم و یا خودم بفروشم.

نکته دوم بحث فروش اینترنتی است و ما همیشه یک گلایه از تولیدکنندگان و فروشندگان داشتیم که چرا صفحه در شبکه‌های اجتماعی ندارید؟ الان فرصت خوبی است تا کسب و کارها بتوانند بازاریابی اینترنتی خودشان را راه بیندازند و خیلی از جوانان را داریم که به عنوان عامل بازاریابی اینترنتی می‌توانند به کسب و کارهای مختلف کمک بکنند. کارسومی که می‌توانند کسب و کارهای به صورت خرد انجام دهند، بحث پیش فروش است مثلاً به مردم می‌گویند که من به پول احتیاج دارم و شما هم نمی‌خواهید از من خرید کنید و بیا بپول آن کالایی را که می‌خواهید یک ماه بعد بخرید از الان پول آن را به من بدهید و من به شما ۳ ماه دیگر ۱۰ درصد تخفیف می‌دهم اما به چه اعتباری مردم باید بپذیرند و اعتماد کنند؟ تولیدکنندگان می‌توانند از آشنایان و فامیل‌های خود شروع کنند که یک تولیدکننده یا فروشنده در گوشی خود حداقل شماره ۵۰۰ نفر را دارد و از این ۵۰۰ نفر، ۳۰۰ نفر به آن اعتماد دارند و بیا بپول آن را بدهد و من به شما ۳ ماه دیگر ۱۰ درصد تخفیف می‌دهم اما به چه اعتباری مردم باید بپذیرند و اعتماد کنند؟ تولیدکنندگان می‌توانند از آشنایان و فامیل‌های خود شروع کنند. البته اینجا بحث بازار سرمایه هم مطرح است که چطور می‌شود که بازار سرمایه و بازار سهام را درگیر پیش فروش بنگاه‌ها و شرکت‌های خرد کرد؟ اینجا بعضی از کارهایی است که تولیدکنندگان می‌توانند برای بهبود این شرایط انجام دهند.

دسته سوم کارهایی که می‌تواند انجام شود در ارتباط با مردم است. اولین توصیه این است که مردم خریدهای موردنیاز خودشان را خریداری کنند این ایراد صحیح نیست که ما مردم به بیرون از خانه تشویق می‌کنیم چرا که آمارها نشان می‌دهد که کمتر از ۲۰ درصد مراجعه مردم به بازار منجر به خرید می‌شود و در حالت عادی ۸۰ درصد بازارگردی می‌باشد.



اقدام مورد نیاز سامانه اطلاعاتی ما خیلی جای کار دارد و بحث طب اسلامی که عناصر فعالی داریم که در کنار دولت خدمتانی را به مردم و بیماران دهند و جریانات اجتماعی راه بندازیم و خانه به خانه بروند آگاه‌سازی کنند و وقتی مردم ببینند پای کار شرایط بحران به شرایط مثبت اجتماعی و تهدید به فرصت تبدیل می‌شود



افزایش اختیارات نهادهای مردمی برای مبارزه با کرونا



روح الله ایزدخواه

منتخب مردم تهران در یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

حدود بیش از ۶۰-۷۰ درصد کاهش فعالیت‌های اقتصادی در این قضیه ویروس کرونا رخ خواهد داد و آسیب جدی به کسب و کارها خواهد رساند مخصوصاً برای شغل‌های خدماتی اعم از هتل داران، رستوران داران و شغل‌های روزمزد مثل کارگری، دست فروشان، تاکسی‌داران و رانندگان و شغل‌های تولیدی مانند صنایع پوشاک به ویژه بیشترین آسیب را خواهند دید.

حدود سه و نیم میلیون واحد صنعتی در معرض این شکست هستند و از این طرف متأسفانه شاهد نوعی سردرگمی در فضای حاکمیتی هستیم.

در این قضیه ۳ نوع راهکار و پیشنهاد داریم:

دسته اول:

ناظر به کاهش فشار بر کسب و کارها یعنی کاری کنیم که کسب و کارهایی که در معرض شکست هستند فشار کمتری تحمل کنند که عمدتاً متوجه دولت است برای مثال مالیات، بیمه، تسهیلات و عوارض و... به طور مثال در قضیه مالیات این ۳ الی ۴ ماه مالیات را به تعویق بندازیم و اگر قابل بخشودگی هست تا حدی باید محاسبه شود اگر نه به تعویق بیندازیم بحث سهم بیمه کارفرما را در این سه ماهه دریافت نکنیم و کسانی که به خاطر این قضیه بیکار شدند، بیمه بیکاری دریافت کنند و اقساط بانکی استمهال شود و اجاره‌هایی با شهرداری‌ها و نهاد‌های عمومی از فعالین کسب و کار می‌گیرند بخشیده شود یا تعویض انداخته شود و تسهیلات فوری برای نجات کسب و کارهای آسیب خورده است پرداخت شود با مهلت ۳ ماهه اقساط و قبوض آب و برق برای واحد‌های کسب و کار مهلت داده شود و کسانی که به خاطر شکست کارشان، چک برگشتی دارند، برای شان سابقه حساب نشود با توجه به قانون جدید چک و البته همه این موارد باید هدفمند و به کسب و کارهایی تعلق گیرد که می‌بینند از این مشکل [آسیب دیده‌اند] و عمومی نباشد طوری نباشد که سوء استفاده شود در بحث گمرک‌ها همچنین کالاهایی که به دلیل قرنطینه الان قفل شده است در گمرک با تدبیر لازم برای تشخیص آن اقدام شود. اینها مجموعه راهکارهایی است که در دسته اول قرار می‌گیرد راهکارهایی که برای کاهش فشار بر کسب و کارها تدارک دیده می‌شود. البته باید محاسبات بهتری انجام شود دقیق‌تر باشد ما این بخشودگی‌ها یا این استمهال‌هایی که گفتیم با عدد و رقم محاسبه شود دقیق شود. اخیراً شاهد بودیم کمپین حذف اجاره دوماه هم راه افتاد و تا حد خوبی هم جواب داد و بخشی از فعالین بخش خصوصی که خودشان اجاره‌های خود را بخشیدند یا حتی بخشی از نهادها.

دسته دوم:

من اسم آن را می‌گذارم فرصت‌سازی جایگزین یعنی ما تلاش کنیم راهکارهایی را جایگزین کنیم چند نمونه را من عرض می‌کنم با توجه به مشورتی که با دوستان داشتیم در این مدت یکی این بود که تعطیلات جایگزین به جای تعطیلات نوروز شود مانند تعطیلات عید فطر یا انتهای شهریور که بسته به فائق آمدن بر این بیماری دارد برای سفرهای جایگزین سفرها نوروز و راهکار دیگر خریدهای دولتی یا توسط نهادها برای تامین سبدهایی که می‌دهند به پرسنل و کارکنان یا به اقشار ضعیف هدفمند از کسب و کارهای آسیب جدی دیده‌اند یعنی آنچه که به نام سبدهای حمایتی یا سبدهای فصلی یا ماهانه به کارکنان برخی از ادارات و نهادها داده می‌شود ارتش سپاه و غیره اینها ببینند از محصول‌ها و کالاهایی تهیه شود که کسب و کارهایی که آسیب

جدی در این فضا دیده‌اند. نکته‌ی مهم در این فضا یعنی فرصت‌سازی است همین تولید اقدام بهداشتی اعم از ماسک و ماده ضدعفونی است، برای من جای تعجب است که چرا در تولید این گیر کرده باشیم؟ وقتی می‌توانیم به سرعت واحدهای تولیدی را بسیج کنیم برای تولید این اقدام خود این می‌تواند فرصت کسب و کار جدیدی راه بیندازد برای خیلی از مثلاً واحدهای پوشاک خیاطی و... حتی من در شیراز دیدم واحدی که تولید روکش خودرو می‌کرد این را به صورت دوماهه مجوز دادند برای تولید ماسک با کمک کمیته امداد یعنی ما ببایم واحدهای زیادی را به طور موقت منتقل به سمت تولید این اقدام کنیم. بحث ایجاد فروشگاه‌های اینترنتی به جای فروشگاه‌های بهاره در سراسر کشور برای تامین ما یحتاج مردم و جایگزین و ایجاد و کمک به کارگاه‌های کوچک خانگی است. اینها مواردی است که در قالب دسته فرصت‌سازی جایگزین من قرار می‌دهم و می‌توانیم به جای کسب و کارهای آسیب دیده به این سمت حرکت کنیم.

دسته سوم:

این دسته مهم است و کمتر به آن توجه می‌شود من اسم آن را نهادسازی جدید می‌گذارم، که عمدتاً متوجه نهادهای مردمی است.

بحث مهم‌تر در این دسته بحث سامانه‌های اطلاعاتی است از در این برهه نشان دادیم از آمارهای انبارها و سالن‌های تولیدمان خبر نداریم، از امکاناتی که می‌تواند در شرایط بحران شیف به سمت تولید می‌کند. اقدام مورد نیاز سامانه اطلاعاتی ما خیلی جای کار دارد و بحث طب اسلامی که عناصر فعالی داریم که در کنار دولت خدمتانی را به مردم و بیماران دهند و جریانات اجتماعی راه بندازیم و خانه به خانه بروند آگاه‌سازی کنند و وقتی مردم ببینند پای کار شرایط بحران به شرایط مثبت اجتماعی و تهدید به فرصت تبدیل می‌شود و ما این را امسال در قضیه سیل دیدیم در زلزله کرمانشاه دیدیم در جنگ تجربه کردیم در شرایطی که مردم قاعدتاً باید دچار یک مشکل روانی و اجتماعی شوند از خطر قحطی و مهاجرت و آوارگی و... ولی ما دیدیم در شرایط نظامی و با تهدید نظامی در آن شرایط دهه شست با آن کمبود امکانات چگونه ما آمزش را در فضای عمومی جامعه توانستیم رعایت کنیم.

این رمز آن حضور مردمی بود اینجا من می‌خواهم عرض کنم که در قالب سوم نیاز به حضور سازمان یافته مردم است که لازم آن این است که اولاً از طرف حاکمیت به نهادهای مردمی گسترش اختیارات دهیم و از طرف مردم هم شاهد حرکت‌های سازمان یافته باشیم تا ما دیگر در شرایط مشابه گیر نکنیم دیر نجنبیم و دچار آسیب‌های روانی و مشکلات اجتماعی نشویم و از بحران‌ها فرصت برای انسجام هرچه بیشتر اجتماعی بسازیم. امروز من شنیدم در کشورهای خارجی مانند آمریکا مسئولین رسماً اعلام کرده‌اند که ما نمی‌توانیم کاری کنیم و به مردم گفتند ما شاهد فوت بیشتری از عزیزانتان باشیم من می‌گویم این در شرایط کشور ما ایران اسلامی قابل انجام است که بتوانیم مردم را به صحنه بیاوریم که خودشان بتوانند خودشان کمک کنند هم برای کنترل بحران هم ایجاد راهکارهای جایگزین و فرصت‌سازی‌های جدید.

پس به طور خلاصه عرض کنم که سه دسته راهکار برای مواجهه با مشکل رکود کسب و کارها در شرایط بحران کرونا بود که دسته اول کاهش فشار است، که عمدتاً متوجه دولت است و حوزه‌های پولی و مالی دولت که بتوانند فرصت به کسب و کارها برای بازبایی خودشان بدهند؛ دسته دوم که متوجه خود کسب و کارها است بحث جایگزینی بود به طور ویژه تولید اقدام مایحتاج توسط کسب و کارها و دسته سوم نهادسازی جدید مردمی که این بیشتر متوجه عرصه مردمی است و باید تلاش کنیم که اختیارات نهادهای مردمی را بیشتر کنیم، به ویژه مساجد گروه‌های جهادی و تشکلهای اقتصادی که اینها بتوانند نقش پررنگ‌تری ایفا کنند نه صرفاً تماشاچی باشند نه صرفاً راهکارهای پراکنده و محدود مثلاً ضدعفونی شهر بپردازند



بلکه فراتر از این می‌توانند با خود مردم مواجه شوند شکست کسب و کارها را رصد کنند و کمک به بازبایی این فعالیت‌ها کنند.

ما اخیراً در تیم نمایندگان تهران دو سال زحمت کشیدند و بیانیه‌ای را خطاب به دولت عمدتاً در دسته اول تهیه کردند پیشنهادهایی را برای دولت که بتوانند در واقع باتوجه استنادات قانونی و بودجه و درآمدهایی که پس اندازهایی که برای دولت ایجاد می‌شود ناشی از کمبود سفرها کاهش مصرف بنزین دولت بتواند با این درآمدهای جایگزین کمک‌هایی را به فعالین کسب و کار ارائه بدهد این بیانیه در حال تهیه است و به زودی منتشر می‌شود.

بحث اینکه دولت و نیروهای مسلح باهم هماهنگ شوند مهم است ما در شرایط سیل و زلزله هم دیدیم که نیروهای مسلح به حق ورود کردند منتها متأسفانه بین این دوستان و دولت ارتباط خوبی ظاهراً برقرار نشد. در جنگ هم ما شاهد قرارگاه‌ها و اینطور فعالیت‌ها مثال بارز آن ساخت پانزده هزار سنگر فلزی بود که برای عملیات فاو تاسیس شد این سنگرها اگر قرار بود در کارخانه‌جات دولتی درست شود بیش از یک سال زمان می‌برد اما در فاصله سه ماه اینها توسط نیروهای مردمی در اقصا نقاط کشور در همین کارخانجات و کارگاه‌های تولیدی که خود مردم داشتند توزیع شد مردم تولید کردند و این توسط خود نیروهای مردمی حمل شد تا اهواز و توسط نیروهای مهندسی جنگ رفت و به کار گرفته شد.

در مردم و حضور مردم در بحران چند نکته کلیدی هست یکی اینکه مأموریت باید از سمت حاکمیت بیاید یعنی خود نیروهای مردمی اگر به صرف اینکه بیایند در صحنه و با تشخیص خودشان کاری کنند این ممکن است حرکتی هم انجام شود اما ماندگار نیست و حتی اولویت هم نباشد ما باید نقشه راه و مأموریت را از طرف حاکمیت و از طرف نهادهای مربوطه تهیه کنیم در اختیار مردم قرار بدهیم مثلاً اگر قرار است نیروهای مسلح بیمارستان‌های صحرایی بسازند این مأموریت بیاید فرض کنید به مساجد و سایر خیریه‌ها به آنها ابلاغ شود شرایط استاندارد هم بگویند قواعد هم بگویند مانند همان مثال سنگرهای فلزی که نقشه از طرف جبهه اعلام شود تا مردم سردرگم نشوند من شنیدم برخی این عزیزی که شب‌ها خیابان‌ها را ضد عفونی می‌کنند جوی‌ها را نیز ضد عفونی می‌کنند حاکمیت فعالانه بگوید که اگر مثلاً بیمار کروناپی در خانه هست چطور با آن مواجه بشویم این را مشخص کنند شرایط قرنطینه چطور است نکته دوم این است که نهادهایی در بین مردم باید کار جمع‌کنندگی را انجام بدهند مساجد مثلاً اتحادیه‌ها و تشکلهای اقتصادی در بین کسبه الان کمیته امداد فراخان زده‌اند به همه نیروهای تولید خودشان و گفتند هر کسی می‌تواند ماسک تولید کند به ما اعلام کند؛ این کار خوبی است کسانی باشند که بتوانند تامین‌کننده مواد اولیه برای اینها باشند.

اینجا باید تشکلهایی باشند که من فکر می‌کنم تشکلهای تولیدی اتحادیه‌ها انجمن‌ها این‌ها می‌توانند بهترین گزینه باشند بتوانند مواد اولیه را به سرعت در اختیار بگذارند پس آند تقسیم کار نهادی باید انجام شود بین فعالین مردمی بحث وقف را که گفتید مثلاً بسیج بشوند و انواع روش‌های وقف را اعلام کنند از توزیع اقدام بهداشتی تا وقت گذاشتن برای رسیدگی به بیماران تا وقت گذاشتن برای ضد عفونی یا وقت گذاشتن برای نیروهایی که می‌توانند بروند برای کمک به این قرارگاه‌ها و نیروهای پلیس برای کنترل تردها تا وقف موقت مکان که اقدام تولید و توزیع شود یا همین فروش اینترنتی در بحث اقتصادی عرض کردم من در خراسان جنوبی با دوستان شور کردیم دیدیم برای تولید ماسک حدود ۱۰ میلیون ماسک برای خراسان جنوبی نیاز داریم و دیدیم که اگر بخواهیم این را تامین کنیم باید خود تولید کنندهای استان را بسیج کنیم با کمیته امداد صحبت کردیم با مراکز دیگر دیدیم ظرفیت تولیدی چقدر داریم حتی من برای دستگاه تولید آن با تهران مذاکره کردم دوستان گفتند دستگاه تولید هست که می‌تواند به صورت انبوه در روز سی هزار تولید کند، البته برای مصرف عمومی مردم نه برای بیمارستان. این را می‌شود به راحتی با یک سازماندهی انجام داد.



گویی باید به گونه‌ای دیگر مورد درمان قرار بگیرد از این سمت سراغ اشتراک بعدی می‌روند که ناظر به حوزه درمان است. این قضیه هم به نوعی شبیه همین است یعنی مستلزم یک اعتماد عمومی است، مستلزم یک هم‌بستگی و همکاری و همیاری عمومی است و شما باید در آن تله ترس و طمع نیافتید.



چند اصلاح بنیادین برای برون رفت از اقتصاد کرونایی



مهدی فوحدی بک نظر



کارشناس مدل‌های اقتصاد بومی

و دبیر اندیشکده اقتصاد مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت



واقعیت اینست که به قدری سرعت تغییرات به واسطه بروز این بیماری مشترک همگانی و اثرات اقتصادی آن به قدری سریع است که شاید لازمه آن طبیعتاً از منظر من که دارم از بعد اقتصادی به این ماجرا نگاه می‌کنم کمی تأمل بیشتر می‌طلبد اما از آن سمت هم طبیعی است به واسطه سرعتی که این پدیده و اثر منفی و مثبتی که می‌تواند در عرصه اقتصادی اجتماعی ما داشته باشد به قدری سریع است که نیاز به تأمل بیشتری هم طبیعتاً دارد. از این حیث خالی از ایراد نخواهد بود طبیعتاً بحثی که خدمت شما ارائه خواهیم داد تمام سعی‌ام را خواهد کرد که ان‌شاءالله بتوانم به یکسری از آن ابعادی که حداقل مورد توجه شما به طور خاص آن ابعادی که ناظر به کمکی که ما الان می‌توانیم در عرصه اقتصاد داشته باشیم و بتوانم نظراتم را خدمت شما ان‌شاءالله ارائه بدهم.

مسئله اول

یک نکته‌ای که وجود دارد این است که کرونای اقتصادی یا آن کرونای-ای که در عرصه‌های بهداشتی و درمانی ما را متأثر می‌کند از جهاتی بسیار شبیه هم هستند یعنی ما بعد از این که مواجه شدیم با این دو بیماری که از یک جهتی افراد را درگیر می‌کند و سلامتی آن‌ها را درگیر می‌کند و از سمت دیگر اقتصاد را درگیر می‌کند و خیلی این شباهت‌ها، شباهت‌های قابل توجهی است مثلاً فرض کنید که هر دو نوع این بیماری یعنی که رونق اقتصادی و کرونایی که ناظر به سلامت است با یک رشد نمایی دارند تحولات را همراه خودشان می‌آورند به یک چیزی جدیدی یعنی هر روز منتظر چیزی جدیدی باید باشیم که ممکن است مواجهه ما با این پدیده را متأثر کند.

نکته دیگر اینکه همه-گیر است و نه تنها افراد را در یک حوزه جغرافیایی خاص بلکه در یک حوزه بین‌المللی درگیر می‌کند و این یک ویژگی خاصی است که این دو با هم دارد یعنی ما کمتر می‌دیدیم پدیده‌ای را که همه افراد را به نوعی درگیر کند نه این کاری ندارد تمام افراد درگیر کنند همان کسانی که بیمار هستند همان کسانی که بیمار نیستند آن کسانی که بیمار می‌شوند را روی تخت بیمارستان قرار درگیر می‌کند و آن کسانی که بیمار نیستند را به نوعی در داخل خانه قرنطینه می‌کند از این سمت کرونای اقتصادی را اگر نگاه کنیم کسانی را بیمار می‌کند که مثلاً فرض کنید کسب و کار دارند و کسب و کارشان را از دست می‌دهند و درآمد قابل توجهی دارند از دست می‌دهند و به طور دومینوار دارد من را متأثر می‌کند، منی که شاید خیلی ارتباطی به آن بازاری نداشته باشم و حقوقم را از دانشگاه می‌گیرم ولی به نوعی دارد زندگی من را هم مختل می‌کند از این جهت این همه‌گیری هم قابل توجه است چرا که نه تنها در داخل کشور است بلکه بین‌المللی است یعنی یک رقابت بین‌المللی که مثلاً قرار بود فرض کنید آمریکا و چین و اروپا و ایران و بقیه کشورها را وارد یک تعاملی شوند و یک رقابتی را شکل بدهند الان آن رقابت ماهیتش تغییر پیدا می‌کند و اساساً دیگر جایی برای رقابت وجود ندارد.

گویی باید به گونه‌ای دیگر مورد درمان قرار بگیرد از این سمت سراغ اشتراک بعدی می‌روند که ناظر به حوزه درمان است. این قضیه هم به نوعی شبیه همین است یعنی مستلزم یک اعتماد عمومی است، مستلزم یک هم‌بستگی و همکاری و همیاری عمومی است و شما باید در آن تله ترس و طمع نیافتید.

مسئله دوم

ما اگر بخواهیم به بحران کرونای اقتصادی توجه کنیم، این است که ما یک یا دو بحران را به نوعی دست گرمی قبلاً گذراندیم یعنی بحران شوک اقتصادی سال ۹۱ و ۹۲ و شوک اقتصادی ۹۶ و ۹۷ یک طوری این را دست گرمی گذراندیم و عملاً با پدیده سوم به نام کرونا اقتصادی مواجه شدیم از جهاتی آن دو بحران به ما کمک می‌کند در این که ما عملاً یک نوع واکنشی به خودمان زدیم و یک آمادگی برای ما ایجاد شده است از یک طوری این بحران برای ما جدید نیست و یک بحرانی است که برای ما می‌آید و ما باید تحمل کنیم ولی یک بحرانی است که تسکین درد را برای ما بیشتر از پیش مهیا می‌کند. اما نکته منفی آن اینست که در بدترین شرایط اقتصادی دارد این اتفاق می‌افتد یعنی بعد از این که ما بحران‌های مختلفی را از راه اجتماعی-اقتصادی طی کرده‌ایم و عملاً یک شکاف درآمدی قابل توجه یک شکاف طبقاتی قابل توجهی جامعه ما پیدا کرده است. حال وارد یک شوکی می‌شویم که این دو باید پیوند خورند یعنی آن کسی که در صدر طبق اصل و آن کسی که در ذیل طبق اصل است، این دو باید پیوند بخورند و اگر پیوند نخورند این هم محل ضرر خواهند شد و یک نکته‌ای را داشتم الان مرور می‌کردم که یکی از دوستان ارسال کرده بود و نکته قابل توجهی بود می‌گفت تعداد قابل توجهی از کشورهای مختلف مخصوصاً کشورهای آفریقایی دارند از گرسنگی می‌میرند اما از آنجایی که این گرسنگی آن طبقه بالا را خیلی اذیت نمی‌کند بنابراین این گرسنگی هر چقدر بیشتر از کرونا هم کشته بدهد،

هدف‌های کرونا

همان‌طور که اشاره کردم ما از جهات مختلف مورد این حجم بیماری قرار می‌گیریم همان‌طور که این بیماری مثلاً ریه را درگیر می‌کند، بقیه نقاط بدن را مثلاً کلیه را به نوعی درگیر می‌کند، کبد را به نوعی درگیر می‌کند در یک شرایط اقتصادی و یک بستر اقتصادی هم این بیماری کرونا اقتصادی که برای ما وجود آمده و تحمیل شده است، می‌تواند جهات مختلفی را متضرر شود.

یک بعد آن بعد خانوار است که درگیر خود می‌کند. این خانوارها نیروی کار جامعه هستند، این خانوارها کسانی هستند که می‌توانند تولید را رقم بزنند، می‌توانند مصرف‌کننده باشند، می‌توانند این پیوندهای اجتماعی را ایجاد کنند بنابراین هدف قرار گرفتن این خانواده یکی از این اهداف کرونای اقتصادی است.

هدف دوم کرونا اقتصادی که به آن ضربه وارد می‌کند، بنگاه‌های اقتصادی هستند طبیعتاً کسب‌وکارهای کوچک یا بزرگی که متضرر خواهند شد. شما خواهید دید که اگر بیماری و کرونا اقتصادی دو سه ماه دیگر ادامه پیدا کند کم‌این‌که الان ثمره آن را داریم می‌بینیم اگر تا دو سه ماه آینده بخواهد ادامه پیدا کند قطعاً ما با یک مشکلات جدی مواجه خواهیم بود. فرض کنید تعدیل نیرویی که در ابر شرکت‌ها و شرکت‌های بزرگ اتفاق خواهد افتاد، تعدیل نیرویی که صورت خواهند داد و اخراجی‌هایی که صورت خواهد گرفت و از سمت دیگر کسب‌وکارهای کوچکی که وضعیت خودشان را سامان ندادند و عملاً از این حیطه خارج خواهند شد بخصوص کسب و کارهای ناظر به حوزه خدمات که بیشتر از همه متضرر می‌شوند مانند رستوران‌ها، کافه‌ها به نوعی بنگاه‌های خدمات غیرضرور ارائه می‌دادند و هتل‌ها، حوزه گردشگری و بقیه این موارد ممکن است بشدت از این عرصه متضرر شوند.

چند اصلاح بنیادین

من چند تا اصلاح بنیادین را به ذهنم می‌رسد که باید صورت بگیرد و همین الان بهترین زمان است که چنین کاری را انجام بدهیم و آن دستیابی به یک شبکه اطلاعات اقتصادی مالی از تمامی خانوارها و افراد است. این اتفاق باید همین الان بیفتد بطوریکه طبق بسیاری از بانک‌های اطلاعاتی که ذیل آن شورای عالی هماهنگی سران قوا و ستاد ملی مبارزه با کرونا است که مثلاً رئیس قوه قضاییه، رئیس مجلس و رئیس جمهور هم حاضر هستند و می‌تواند این بازوهای لازم را برای ما بدهند. شناسایی کنیم چه کسانی دارند متضرر می‌شوند و به چه اندازه چه کسانی درآمد خالص قابل توجهی دارند و پس‌انداز مثبت قابل توجهی دارند و چه کسانی پس‌انداز قابل توجهی ندارد و چه کسانی کار تجاری شان هزینه-بر است و چه کسانی حقوق‌گیر هستند و خیلی شاید اینجا در این برهه از زمان خیلی مشکل چندانی را متحمل نمی‌شوند و چه کسانی می‌توانند بیشتر کمک کنند برای این که آن دهک‌های و صدک‌های درآمدی پایین را بتوانیم به دقت شناسایی کنیم پس الان بهترین موقع است برای دستیابی به این سیستم اطلاعاتی و یک شبکه یکپارچه اطلاعاتی که حالا ممکن است شما سوال پرسید این شبکه اینترنتی به چه کاری می‌آید؟ من می‌گویم این شبکه اطلاعاتی اگر تراکنش‌ها و متناظر با آن معاملاتی که انجام می‌شود و طبیعتاً به اتکالی این دو تمامی دفاتر حسابداری دوطرفه‌ای که به اتکالی این دو می‌تواند برای بنگاه‌ها و مصرف‌کننده‌ها ایجاد شود، ایجاد کند عملاً ما می‌توانیم احصا کنیم که چه کسانی دارند متضرر می‌شوند و چه کسانی در آن سود می‌برند و چه کسانی بیشتر می‌تواند به ما کمک می‌کند و به چه کسانی نباید بیشتر روی آورد ...

خیلی قابل توجه رسانه‌ها نمی‌گیرد و زمانی مورد توجه این دوستان قرار می‌گیرد که این خطر برای این افراد ایجاد کند بنابراین کرونا ویژگی آن اینست که این سرایت پذیری و همگانی بودن آن باعث می‌شود که اینا هم تحت خطر قرار بگیرد پس ما می‌توانیم یک سری اصلاحات اقتصادی را همین الان انجام بدهیم و آن اصلاحات اقتصادی که مورد نیاز اقتصاد کشورماست و باید تحقق پیدا می‌کند.

اما برویم سراغ مسائل که ببینیم که چه مسائل اقتصادی را کرونا اقتصادی برای ما بوجود آورده است. همان‌طور که خدمت شما عرض کردم در بدترین شرایط اقتصادی ما با کرونا مواجه شدیم و این کرونا به این شکل خاص خود باعث شد که دولت ما دولتی که با کسری بودجه مواجه بود دولتی که بودجه ۹۹ دچار اشکالات ساختاری بود این دولت دوباره با یک هجمه دیگری روبرو شود و با یک بحران دیگر روبرو شود و از سمت منابع به سمت هزینه‌ها عملاً تحت فشار بیشتری قرار بگیرد یعنی آن هزینه‌های مالیاتی ما کاهش پیدا می‌کند، هزینه‌های درآمد‌های نفتی ما بشدت کاهش پیدا می‌کند، از آن سمت هزینه‌های ناظر به عرصه بهداشتی ما به شدت افزایش پیدا می‌کند و عملاً این فضا بیشتر تحت فشار قرار می‌دهد دولت را و عملاً این درمان را سخت‌تر می‌کند. اما ما قرار بود چه کار کنیم قرار بود که مثلاً فرض کنید که کشور جمهوری اسلامی ایران که بعد از چهل سال متکی به قانون اساسی، خود قرار بود یک نزاع همیشگی با نظام سلطه را داشته باشد پس چرا هیچ موقع فکر نکرد که نهادهای اقتصادی خود را سامان بدهد و نهادهای اقتصادی خود را مصون در برابر شوک‌ها کند و تهدیدهای هدفمند و غیر هدفمند. یک موقع می‌گویم یک آمریکایی است که می‌خواهد نهادهای را تحت تأثیر قرار بدهد، نهادهایی اقتصادی و سیاسی ما را تهدید کند و شوک ایجاد کند با شوک قیمتی نفت و شوک عرضه نفت یک موقعیت یک بیماری یک سیل یک زلزله ممکن است چنین مشکلی را برای ما ایجاد کند چرا ما در این سال‌ها هیچ موقع به این فکر نکردیم؟ اشکال ندارد هشت سال جنگ گذشت بعد از آنچه را فکر می‌کردیم از سال ۸۷ به نوعی این مشکلات ما بیشتر شد مشکلات ناظر به تحریم بیشتر شد چرا آن موقع فکر نکردیم بابت این قضایا این عدم فکر کردن راجع به این مشکل‌ها عملاً فضایی را بوجود آورده است که ما الان داریم مشکل آن را به نوعی با پوست و گوشت خودمان ادراک می‌کنیم.

ما موقعی که کرونا و بیماری که نظام بهداشتی ما را دارد تحت خطر قرار می‌دهد می‌گوییم پیشگیری بهتر از درمان است و می‌گوییم که باید این‌جوری رعایت کرد این مسیر را این پروتکل را باید رعایت کرد تا مشکل بیماری پیدا نشود اما چرا موقعی که ما با یک مشکل اقتصادی روبرو هستیم و احتمال آن وجود دارد که نه کرونا بلکه کرونای آمریکایی بلکه به نوعی هجمه آمریکایی هجمه‌ای سازمان‌های بین‌المللی وجود دارد چرا ما ساماندهی نکردیم حالا ممکن است مصداق شما بخواهید بپرسید مصداق آن تصور بکنید ما از ۴۲۰۰ یا ۱۸ میلیارد دلار را به ثمن بخش دادیم، رفت و بدون هیچ سامانه‌ای که بتواند این را رصد کند و بدون هیچ سامانه‌ای که بتواند این را در جای خود قرار بدهند و هیچ چیزی که مشخص نشد که این به کجا رسید، از کجا حرکت کرد و در چه سامانه‌ای با چه اطلاعاتی در اختیار افراد قرار گرفت یا مثلاً فرض بکنید مثال گوشت دولتی با نرخ دولتی که داده می‌شد شما دادگاه‌های آن را ملاحظه کردید که چه اتفاقی در آن‌جا افتاد یا مثلاً همین بحث ماسک و لوازم بهداشتی و ژل ضدعفونی که این‌ها هم الان هم شما بروید داروخانه شاید چه‌بسا با مشکل کمیابی مواجه شده باشید عملاً چرا ما به این‌ها فکر نکردیم.



کرونا و توسعه اقتصاد دیجیتال



اما ما خیلی کمتر ما فقط در همان اقلام خاص مثلاً بهداشتی مسئله پیدا کردیم اما اقلام ضروری و غذایی اصلاً مشکلی نداشتیم که این هم یک نکته‌ای است که بدن ما مثل یک ویروس ضعیف‌تری که ویروسی را گرفته باشد و بدن او یک مقدار مقاومت ایجاد شده است در مواجهه با ویروس بعدی یک مقدار آماده گی دارد تقریباً این طور است این خودش یک فرصتی هست که باید توجه کنیم. یک نکته‌ای که ایجاد می‌کند در اقتصاد کلان که کسری بودجه را یک مقدار تشدید و بیشتر می‌کند و دولت هزینه‌های سلامت افزایش پیدا کرده است. مثلاً شما در یک مدت کوتاهی سه چهار ماهه یک هزینه‌های فراوانی را باید دولت بابت سلامت و درمان و مواجهه با این اپیدمی متحمل شود مثلاً آزمایش تست کرونا در کشورهای مختلف عده‌های متفاوت آن را می‌بینید منتها در کشور ما رایگان هست که خیلی امر خوبی است و کمک می‌کند بهتر فضا اما هزینه برای دولت دارد و این هزینه‌ها انجام می‌شود و این کسری بودجه را تشدید می‌کند و ما یک سری ایرادات در نظام سلامت‌مان داشتیم که اینها را شاید وقت بحث کردن نباشد اما از نظر تحلیلی ما نظام سلامت‌مان عدم کارکرد بهینه‌های جدی داشت که آن طرح مثلاً تحول سلامت هم آن را تشدید کرد به خاطر اینکه شناسایی دقیق نشد و ما نظام سلامت خیلی کارآمد به معنای اینکه بهینه در آن هزینه شود نداریم و قضیه را تشدید خواهد کرد و ما مشکلات پرنرگی بودجه‌ای در سلامت خواهیم داشت و این هم بحثی هست که به ما خیلی می‌تواند فرصت خوبی باشد که ما چند اقدام اساسی را در نظام سلامت انجام بدهیم؛ چه از باب افزایش توان‌مان در مواجهه با این پدیده‌ها و چه از باب مدیریت هزینه‌های در سلامت مثلاً پرونده الکترونیک سلامت که یک مسئله مهم در بحث ایجاد شفافیت در نظام سلامت به شدت اگر الان وجود داشت می‌توانستیم در مدیریت در مواجهه با کرونا از آن استفاده کنیم یعنی شناسایی افرادی که بیشتر در معرض خطر هستند مدیریت آنها جمع آوری اطلاعات برای رفتار شناسی ویروس و چیزهای مختلف که در بعد اقتصادی بحث ما بهینه کردن هزینه‌ها است که می‌شد کمک کند بهینه کردن هزینه‌ها است که آن هم می‌شد خیلی کمک کند الان نیست.

ولی یک فرصتی است که ما به‌عنوان یکی از اقداماتی که می‌دانیم می‌تواند در بزنگاه‌ها به ما خیلی کمک کند دنبال کنیم و این را پیاده کنیم یک اثر مخربی که کرونا روی اقتصاد کلان ما داشت بحث ضربه به صادرات غیر نفتی‌مان بود.

ما داشتیم تکیه خودمان را به نفت کم افزایش می‌دادیم به مباحث غیر نفتی که خیلی اتفاق خوبی است در راستای اقتصاد مقاومتی است و به‌طور خاص در این که کشورهای همسایه و بازارهای کشورهای همسایه ما داشتیم کار می‌کردیم ویروس کرونا وقتی شیوع پیدا کرده و خصوصاً جریان رسانه‌ای معاند که روی آن سوار

خواهد داد بالاخره ما با همان میزان فروش نفت هم کسری بودجه داشتیم با این وضعیت کسری بودجه بیشتری را باید مواجه باشیم به یک معنا باید جدی‌تر وارد اصلاح ساختار بودجه‌مان باشیم و بتوانیم بودجه را متناسب با این شرایط اصلاح کنیم نکته دیگر اینکه کرونا به خاطر اینکه فعالیت اقتصادی را کند می‌کند و بعضی جاها را تعطیل می‌کند و بعضی جاها را ضعیف می‌کند و در برخی از اوضاع هم تقویت می‌کند موجب افزایش رکود خواهد شد و رشد اقتصادی را احتمالاً در بحث کاهش رشد اقتصادی مسئله جدی داشته باشیم هرچند ما در سال گذشته سال ۹۸ رشد اقتصادی با در نظر گرفتن نفت منفی بوده و بدون نفت هم تقریباً صفر بوده است و ما شرایط مناسبی را از نظر شاخص‌های اقتصادی کلان نداشتیم اما اقتصاد داشت به سمت سازگار شدن با تحریم‌ها حرکت می‌کرد به یک حرکت رو به جلو بود اما کرونا یک لطمه‌ای در این زمینه به ما خواهد زد یک اثر دیگری که کرونا دارد در عرضه و تقاضا در بخش کلان اقتصاد یک تغییراتی را ایجاد می‌کند اولاً یک سری نیروی کار سر کار نمی‌روند توان تقاضاشان کاهش پیدا می‌کند و خانواده نوع مصرف شان تغییر پیدا می‌کند یک سری کالاها را مصرف نمی‌کنند به سری کالاها را به سمت آنها می‌روند و به سمت پس‌انداز حرکت می‌کنند برای شرایط اضطراری خودشان را آماده می‌کنند که اینها تغییراتی را ایجاد می‌کند و اختلالاتی را در بخشی از اوضاع ایجاد می‌کند حالا کشور چون سال ۹۸ یک به هم ریختگی بازار داشتیم در بازار ارز که بعد سرریز کرد در بازارهای دیگر مثلاً شما یادتان هست در ۹۸ یک مدت بحران پوشک بود یک مدت بحران یک سری اقلام بود این نوساناتی که ۹۸ تجربه کردیم یک مقدارش هم به ۹۷ کشیده شد توان برای ما مدیریت بازار را افزایش داد و الان ما در مدیریت بازار کالاها حداقل اساسی کالاها ضروری برای مردم وضعیت یک سری کشر ها را نداریم چون کشورهای دیگر را می‌بینید که سر یک سری اقلام به شدت مشکل پیدا کردند



مسعود براتی

مدیر گروه دیپلماتی اقتصادی مجموعه ایتان



کرونا و این بحرانی که به وجود آمده است یک بحرانی هست که تقریباً کشور در مواجهه با آن تجربه ای ندارد یعنی در تجربه ایران نگاه کنید حداقل بعد از انقلاب که ما چنین تجربه‌ای نداریم.

درباره ابعاد اقتصادی کرونا حداقل در این دسته بندی خیلی ابتدایی که ما بگوییم یک سری آثار کلان اقتصادی دارد و جز معدود پدیده‌هایی است که در هر دو سطح اثر دارد اثرات مخربی دارد و یک جاهایی هم اثرات سازنده دارد حالا تقریباً سطح مخرب بودن آن بیشتر است نسبت به سازندگی آن در وضعیت اقتصادی الان یک مسئله جدی که برای ما هم مطرح هست بحث درآمد نفتی است و درآمد نفتی ما مثل باقی کشورهای فروشنده نفت که از محل بخش مهمی از بودجه شان توسط درآمدها نفتی تامین می‌شود و ما هم این مشکل را مواجه می‌شویم که کاهش قیمت نفت منجر به کاهش درآمدهای نفتی می‌شود، البته اینجا یک تفاوت‌هایی بین ما و کشورهای دیگر دارند نفت و گاز وجود دارد و آن هم این است که ما به واسطه تحریم‌هایی آمریکا اعمال کرده و از سال ۹۸ جدی شد ما فروش نفت‌مان از ۹۷ کاهش پیدا کرده بود و این کاهش فروش نفت در درآمد نفتی‌مان اثر شوک اقتصادی شد و در همان سال خودش را نشان داد یعنی همان شوک بازار ارزی که از اواخر سال ۹۶ شروع شد و در تابستان ۹۷ با کاهش فروش نفت هم تشدید شد ما شوک اقتصادی آن را مواجه شدیم و بعد از اینکه شوک را عبور کردیم با خود مسئله واقعی کاهش درآمد ارزی روبرو شدیم که بحث تامین بودجه مسائل مختلف کسری بودجه و اینها مطرح می‌شود الان هم که درآمدان باز کمتر شده است کمتر بحث شوک و شوک اقتصادی را با آن مواجه هستیم بیشتر مدیریت تبعات واقعی کاهش درآمد را مواجه هستیم در کشورهای دیگری که صادر کننده نفت هستند و این درآمدشان لطمه خورده است آنها هم باید آن شوک را مدیریت کنند و هم آن کاهش درآمد را یعنی مثل فضای سال ۹۸ ما هست این یک حدود سی درصد کاهش قیمت بوده است ما طبیعتاً از آن عده‌ای که حساب می‌کردیم درآمد نفتی خواهیم داشت حالا که چه در سناریو خوش بینانه و چه در سناریو بد بینانه ما یک حدود سی درصدی باید کاهش پیدا کنیم و این مشکلات خودش را در بحث تامین بودجه نشان

شده و سعی کرد ایران را دومین کانون بحران در جهان معرفی کند این یک سری لطمه‌هایی به موضوع در بخش صادرات غیر نفتی مان زد.

به چند دلیل اولاً این که ترس از ویروس و بستن همه چیزها و همه تعامل‌ها این خیلی نمی‌تواند دوام بیاورد چون شرایطات اقتصادی بشدت نیاز دارد که باز باشد ولی با یک سری نکاتی که بعد از یک مدتی که دوره بحران را رد می‌کند کم کم ایجاد می‌شود نکته بعدی این است که ما صادراتمان به این کشورها مانند صادرات به عراق آن بخش مهم آن مواد غذایی است که اتفاقاً در این دوره بحران کشورها به شدت به آن نیاز دارند بحث شونده‌ها که یک بخش مهمی از صادرات ما بوده است و به این هم نیاز دارند و یکسری صادرات پتروشیمی و غیره و بالاخره این‌طوری این شک و این ضربه ضربه کوتاه‌مدتی است البته در بلندمدت هم اثر مخرب دارد چون کلاً تقاضا را کاهش می‌دهد ویروس در هر جا که شیوع پیدا کند این‌طور می‌شود بنابراین صادرات غیر نفتی‌مان هم در کوتاه‌مدت یک ضربه‌ای خورد در بلندمدت هم یک کاهش پیدا می‌کند و این هم یک مشکلی است و باید به آن توجه شود البته یک فرصتی می‌شود در این فضا دید البته نه الان شاید در ماه‌های آینده که ما بتوانیم بر بحث شیوع بیماری در کشور خودمان پیروز بشویم.

آن هم این است که ما یک توان بسیار زیادی را در تولید اقلام پزشکی و بهداشتی فعال کرده‌ایم و این‌ها می‌توانند به‌شدت به بازارهای صادراتی داشته باشند تا وقتی ما بتوانیم داخل را مدیریت کنیم قاعدتاً ظرفیت تولید ما فراتر از مصرف داخلی است و ما می‌توانیم به فکر صادرات و استفاده از بازارهایی که بالاخره کرونا ایجاد کرده است باشیم که شاید یک ماه دیگر این ایام آن برسد.

کاهش قیمت نفت یک اثری هم روی کاهش قیمت غیرنفتی می‌گذارد چون یک بخش مهمی از صادرات غیرنفتی متکی به نفت است و از قیمت نفت تبعیت می‌کند بنابراین اگر قیمت نفت کاهش پیدا کند طبیعتاً آن‌ها هم مانند گاز و مانند مواد پتروشیمی کاهش پیدا می‌کنند پس درآمد ارزی‌مان در چند جهت دچار لاغر شدن می‌شود یعنی دارد کم می‌شود یک صرفه جویی‌هایی اتفاق می‌افتد مانند مسافرت‌های خارجی مسافرت‌های خارجی وقتی کم می‌شود تقاضا برای ارز مسافرتی هم کم می‌شود که این هم نکته‌ای است که جزو می‌شود گفت نقاط مثبت داستان است اما در بحث اقتصادمان در بحث کلان یکسری بخش‌ها فعال‌تر باید شود به طور مشخص صنایع غذایی صنایع بهداشتی و دارویی این‌ها چیزهایی هستند که در این ایام فعال‌تر می‌شوند.

چرا چون تقاضا برای آن‌ها افزایش پیدا می‌کند و شما می‌بینید که کارخانه‌ها دارند چند شیفت کار می‌کنند بعضی کارخانه‌ها تعطیل بودند سری فعال شدند و این دارد یک ظرفیت جدیدی را ایجاد می‌کند حالا این که در مجموع می‌توانند این‌ها خلا را پر کنند احتمالاً نتوانند کامل پرکنم ولی یک بخشی از آن را می‌تواند ایجاد کند و این خودش نکته‌ای است یک فرصتی در این کرونا ایجاد شده برای توسعه اقتصاد دیجیتال یعنی روابط اقتصادی در بستر دیجیتال و یک سری کسب‌وکارهای خاص طیور را برای دیجیتال ایجاد کند؛ مثلاً شما می‌بینید که بشدت استارت‌آپ‌ها فعال شدند و این یک فرصتی است در حوزه‌های مختلف ارائه خدمات که این خودش یک فرصتی است تلاش شود حد اکثر استفاده از زیرساخت‌های الکترونیک انجام شود البته یکسری تهدیدهایی از جنس اجتماعی و فرهنگی در بین این بحث وجود دارد که آن را بعداً انجام می‌دهیم بالاخره شبکه‌هایی مانند اینستاگرام بعد از شهادت حاج قاسم نشان داد که اصلاً پلتفرم‌های مطمئن نیست برای ما برای تکیه کردن ولی در این ایام کرونای این پلت فرم‌ها مشتری فراوان‌تری پیدا می‌کند و این ابعاد اقتصادی هم دارد یعنی شما هزینه‌های اینترنت بین‌المللی که بیشتری باید بدهید از این طرف رقیب‌های داخلی که می‌توانستند بیایند و کسب‌وکار شکل بدهند تحت فشار بیشتری قرار می‌گیرند و این‌ها مواردی است که انجام می‌شود.